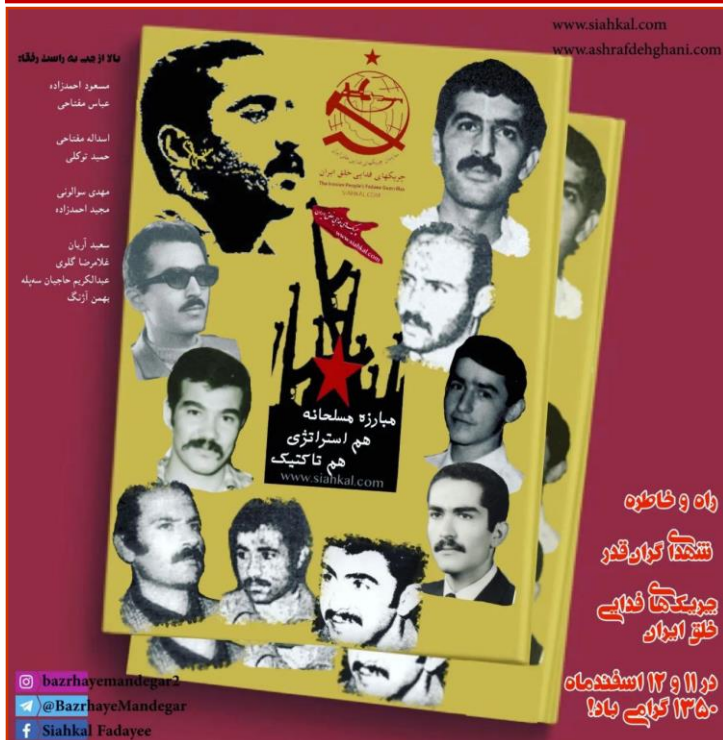


به جای سرمقاله

روز جهانی زن گرامی باد!

... با اندکی تعمق در مورد چرائی این سرکوب هم خواهیم دید که همه مسأله بر سر حفظ وضع استثمارگرانه موجود در ایران است. ایران با برخورداری از نیروی کار وسیع و ثروت‌های طبیعی و از جمله با داشتن معادن غنی، یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان می باشد. اما، این امپریالیست‌های غارتگر هستند که از کانال رژیم های دست نشانده خود که امروز جمهوری اسلامی است، ثروت ملی مردم ما را تصاحب کرده‌اند و البته با مکانیسمی که وجود دارد سرمایه داران داخلی نیز از این خوان یعما، سهم خود را می برند. کشف اخیر دو معدن لیتویم در دشت قهاوند، فلزی که یکی از گران ترین و کمیاب ترین ها در جهان می باشد نیز تا زمانی که این سرمایه داران بین المللی بر جامعه ما سلطه دارند، بی هیچ تردیدی، به سود آنهاست. اینان دشمنان اصلی مردم و از جمله زنان تحت ستم ایران هستند که در طول ۴۲ سال گذشته با دفاع و حفظ رژیم پوسیده جمهوری اسلامی مسبب اوضاع جهنمی کنونی و فقر و بی حقوقی زنان ایران بوده اند.... در صفحه ۲



جنبش زنان به شعارهای شفاف نیاز دارد!

... شعارهایی مثل نابود باد جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی نمی‌خوایم، نمی‌خوایم که از همان آغاز مبارزات سر داده شدند همراه با شعار فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنوشتی، همگی نشان دهنده مطالبات واقعی بودند که بطور شفاف نشان می‌دادند که مردم برای پایان دادن به مصیبت‌های اجتماعی می‌دانند که باید تبر را به ریشه‌ها بزنند. وقتی مردم شعار "فقر و فساد و بیداد، مرگ بر این استبداد" را میدهند در واقع ستون فقرات نظام سرمایه داری انگلی که جمهوری اسلامی حافظ آن است را مورد ضرب قرار میدهند. این یک شعار شفافی که هیچ جایی برای تعبیرات متفاوت باقی نمی‌گذارد. این شعار، خواست نوده‌ها برای پایان دادن به فقر و بیکاری و بی‌خانمانی و دیکتاتوری را بیان می‌کند. یا شعار "سقف و کتاب و گندم، قدرت بدست مردم" صریحا مطالبات اساسی را بیان میکند که هم ضرورت آگاهی و هم نیاز به مسکن و نان را در بر دارد و در همان حال کسب قدرت سیاسی بدست خود مردم و رقم زدن سرنوشتشان برای تامین این خواسته‌ها در افق دیدش قرار داده. به همین خاطر هم در را بر روی همه تقاله‌هایی که این روزها قدرت سیاسی را از امپریالیست‌ها گدایی میکنند کاملاً می‌بندد.... صفحه

تحلیلی از سیر جنبش انقلابی جاری! جاودان باد خاطره کارل مارکس

در صفحات دیگر

• حمله شیمیایی به مدارس،

توطئه جدید جمهوری اسلامی ۴

• آزادی زن، معیار آزادی جامعه

است! ۱۱

• انقلاب جاری در ایران نه یک

انقلاب زنانه، بلکه انقلابی‌ست

اجتماعی! ۱۴

• گزارش آکسیونهای مبارزاتی

فعالین سازمان صفحات ۳، ۱۷ و ۲۰

اندیشمند کبیر پرولتاریا!

شهرت مجدد حیرت‌انگیز "سرمایه" در چند دهه اخیر ثابت میکند که این کتاب هنوز ابزاری قوی در دست طبقه کارگر و متحدین آگاه آن برای ایجاد تحولات انقلابی پیروزمند جهت نجات بشریت از سیستم سرمایه داری است. به عنوان مثال یکی از نتایج غیرمنتظره بحران و رکود اقتصادی جهانی که در سال ۲۰۰۸ آغاز شد، افزایش فروش کتاب "سرمایه" بود. زیرا که توده‌های مردم آگاه جهان بار دیگر پس از سقوط سرمایه مالی جهانی، در تلاش برای یافتن آلترناتیوی علمی به کتاب "سرمایه" مراجعه کردند؛ کتابی که حاوی کلید کشف بسیاری از ابهامات سرمایه داری مدرن است. هر فرد آگاه و مبارزی باید کتاب "سرمایه" را بیاموزد. صفحه ۱۸

(بخش پایانی)

... حمله به دانشگاه‌ها و دستگیری‌های گسترده دیگر بخصوص در رابطه با نیروهای چپ، همگی ترفندهایی برای جلوگیری از تأثیر نیروهای آگاه جامعه در تظاهرات و خاموش کردن صدای چپ صورت گرفته و می‌گیرد. در سال ۹۶-۹۷ شعارهای مربوط به ستمدبکی کارگران، شعار "نان کار آزادی" و یا شعارهای کمونیستی چون "یا سوسیالیسم یا بربریت" در همه جا شنیده می‌شد، اما امروز که حتی بیشتر از آن سالها نان و کار و همچنین مسکن معضل اصلی اکثریت مردم ایران است، در اخبار منتشر شده، از چنان شعارهایی خبری نیست. چطور می‌شود انسان‌های معترض به شرایط ظالمانه حاکم در حالی که جانیشان را کف دستشان گرفته و در خیابان حضور می‌یابند از دادن شعارهای مربوط به زندگی خود احتراز کنند؟..... صفحه ۵

به جای سرمقاله

اشرف دهقانی

روز جهانی زن گرامی باد!



مشهد- به مناسبت روز جهانی زن ۱۴۰۲

مراسم "گیس بران" به راه انداختند؛ انقلاب مردم گرسنه و بی خانمان ایران را انقلاب زنانه خواندند و برای این منظور هر یک با انجام نمایشی به ترویج شعار "زن زندگی آزادی" پرداختند تا در زیر این شعار پرطمطراق ولی توخالی، دلیل اصلی و واقعیت چرائی دست زدن زنان و مردان ایران به انقلاب که در شعار "نان کار مسکن آزادی" نهفته است را لایوشانی کرده و به کنار بزنند. اما، با همه این ریاکاری ها، می بینیم که آنها در همین روزها میزبان و خوشامدگوی نمایندگان زن ستیز و جلاذ رژیم بوده اند. حتی شاهد بودیم که سفیر سوئیس و حافظ منافع آمریکا در ایران با چادر و جاقچور به سر، شادی کنان در پشت سر آخوندهای مرتجع و ضد زن به زیارت حرم به اصطلاح "حضرت معصومه" در قم رفت و عکس یادگاری هم گرفت. آیا همین امر نشان نمی دهد که در بااصطلاح انقلاب زنانه مورد تبلیغ آنها، خودشان در کدام جبهه ایستاده اند؟ بله، در جبهه حفظ و تقویت رژیم زن ستیز و وابسته جمهوری اسلامی. اینها طرفدار آزادی زنان ایران نیستند بلکه عامل انقیاد آنها هستند. آنها می خواهند فریاد زنان طبقه کارگر و زحمتکش و محرومان که اکثریت مطلق زنان ما و نیمی از جامعه را تشکیل می دهند، برای رهائی از همه ستمهای جامعه طبقاتی و تحقق حقوق برابر در تمام زمینه ها با مردان در یک نظام دمکراتیک را خفه کنند.

امیدوارم دیدن این واقعیت ها باعث شود که کسانی که با عنوان چپ یا فعال جنبش زنان به ترویج شعار "زن زندگی آزادی" می پردازند حداقل امروز به خود آیند و دست از این شعار فاقد بار طبقاتی، شعار مورد قبول بورژوازی و "همه با هم"

که از پای نیفتاده و هنوز شعله های آن در اینجا و آنجا و به خصوص در بلوچستان سرفراز شعله می کشد، لازم می دانند.

با اندکی تعمق در مورد چرائی این سرکوب هم خواهیم دید که همه مسأله بر سر حفظ وضع استثمارگرانه موجود در ایران است. ایران با برخورداری از نیروی کار وسیع و ثروت های طبیعی و از جمله با داشتن معادن غنی، یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان می باشد. اما، این امپریالیست های غارتگر هستند که از کانال رژیم های دست نشانده خود که امروز جمهوری اسلامی است، ثروت ملی مردم ما را تصاحب کرده اند و البته با مکانیسمی که وجود دارد سرمایه داران داخلی نیز از این خوان یعما، سهم خود را می برند. کشف اخیر دو معدن لیتویم در دشت قهاوند، فلزی که یکی از گران ترین و کمیاب ترین ها در جهان می باشد نیز تا زمانی که این سرمایه دارن بین المللی بر جامعه ما سلطه دارند، بی هیچ تردیدی، به سود آنهاست. اینان دشمنان اصلی مردم و از جمله زنان زنجیریده و تحت ستم ایران هستند که در طول ۴۴ سال گذشته با دفاع و حمایت و حفظ رژیم پوسیده جمهوری اسلامی مسبب اوضاع جهنمی کنونی و فقر و بی حقوقی زنان ایران بوده اند. در جریان جنبش انقلابی جاری هم از هر روزنه ای برای نفوذ در جنبش استفاده کردند و برای انحراف این جنبش به هر تلاشی دست زدند.

من در این مورد قبلا با زنان و مردان آگاه و مبارز جامعه صحبت کرده و خاطر نشان کردم که این دشمنان چگونه پس از مشاهده خیزش گرسنگان که زنان زحمتکش و مبارز در پیشاپیش آن بودند، ریاکارانه سعی کردند خودشان را دوست زنان ایران جلوه دهند. آنها از طریق مهره ها و پارلماناریست ها و رسانه های خود، با فریبکاری تمام به صحنه آمده

در آستانه ۸ مارس، روز جهانی زن، درودهایم را نثار زنان مبارز ایران می کنم که در جنگ آشکاری که ماه هاست بین مردم تحت ستم ایران و به خصوص بین کارگران و زحمتکشان جامعه با استثمارگران و ستمگران حاکم بر میهن ما جریان دارد، با شجاعت و سلحشوری قابل تقدیری، با ارتجاع حاکم می جنگند.

اگر ۸ مارس سمبل و یادآور مبارزات تاریخی زنان کارگر و زحمتکش دنیاست، خون دختران و زنان مبارز ما در جنبش انقلابی کنونی ایران، خون ژیناها، سارینا ها، نیکاها، حدیث ها، آینازها، آیلارها، و بسیاری دیگر ثابت کرد که تا فقر و استثمار و نابرابری وجود دارد مبارزات زنان نیز برای از بین بردن ریشه اصلی ستم بر زنان وجود خواهد داشت.

امسال روز جهانی زن در شرایطی فرا می رسد که رژیم دست نشانده امپریالیست ها در ایران، یعنی رژیم پلید و جنایتکار جمهوری اسلامی با ارتکاب به یکی از وحشیانه ترین جنایات غیر قابل توصیف، یعنی حمله با گاز شیمیایی به مدارس دخترانه، در صدد ایجاد چنان فضای رعب و وحشت در جامعه است تا مردم مصیبت دیده و تحت ستم ما دست از مبارزه برداشته و به بردگان مطیع استثمارگران و ستمکاران تبدیل شوند.

مردم مبارز ایران بارها و بارها شاهد بوده اند که هر بار این رژیم برای محکم کردن زنجیر اسارت بر دست و پای زنان و مردان، به تشدید سرکوب در جامعه پرداخته، این کار را با شدت بخشیدن بر سرکوب زنان آغاز کرده است. حملات شیمیایی اخیر هم نه فقط برای باز داشتن زنان انقلابی ایران از مبارزه صورت می گیرد بلکه هدف نهائی آن سرکوب کل جامعه است؛ و آنها این کار را برای غلبه بر جنبش انقلابی ای

استکھلم: برگزاری ۳ روز چادر اطلاع رسانی به مناسبت ۸ مارس



در روزهای چهارشنبه یکم، پنج شنبه دوم و جمعه سوم مارس به دعوت "شورای استکھلم" همراه با آزادیخواهان سوسیالیست و فعالان چپ و کمونیست در استقبال روز جهانی زن یک چادر اطلاعاتی در "سول توریت" بالای میدان سرگل برپا شد. در این سه روز هر روز از ساعت سه و نیم بعدازظهر تا ساعت پنج بعدازظهر تعداد زیادی از آزادیخواهان و چپ ها و کمونیست ها دست به تجمع و تظاهرات می زدند و به اطلاع رسانی درباره انقلاب مردم ایران و همچنین مبارزات زنان تحت ستم ایران می پرداختند.

برگزارکنندگان این حرکت در هر سه روز با پخش ترانه و سرودهای انقلابی فضای پرشور مبارزاتی ایجاد کرده بودند. نوازنده ای به نام "آلبرت" موسیقی متری می نواخت و تعدادی از مبارزین سوئدی و ایرانی با سخنرانی های خود به تشریح شرایط سوئد و شرایط زندگی و مبارزه زنان ایرانی پرداختند. در تمام این مدت شعار "مرگ بر ستمگر چه شاه باشد چه رهبر" از سوی تظاهرکنندگان فریاد زده می شد.

در این سه روز تعداد زیادی از چادر بازدید کرده و در مورد اهداف حرکت و اوضاع زندگی و مبارزه زنان در ایران به بحث پرداختند. یک زن عراقی که شنیده بود دژخیمان جمهوری اسلامی در زندان ها به زندانیان تجاوز می کنند با اظهار تاسف از این جنایت در زندان های ایران، رژیم ایران را رژیم مذهبی و قرون وسطایی و مورد انزجار جهانی خواند. مرد جوانی معتقد بود سلطنت یعنی سلطه فاشیسم یعنی کشتار عظیم ستمدیدگان و رفیق بلوچی با اشاره به اوضاع جاری در بلوچستان و ستم طبقاتی گسترده ای که بر زحمتکشان بلوچ اعمال می شود معتقد بود که مسئله بلوچستان باید ریشه ای بررسی و حل شود. یکی از بازدید کنندگان از چادر اطلاعاتی که خانمی مسن بود می گفت چون سلطنت طلبان تنها برای رسیدگی به سرمایه های خود به ایران می روند از فقر و بدبختی مردم بی اطلاع اند او تأکید می کرد که آنها تنها نگران سرمایه های خود هستند. چند جوان سوریه ای و سوئدی که از کشتار جمهوری اسلامی در جریان خیزش انقلابی جاری مطلع بودند ضمن حمایت از مبارزات مردم ایران، این جنایات را بسیار وحشتناک می دانستند که باید با انقلاب پاسخ داده شود.

فعالین چریکهای فدایی خلق با بنرها و نشریات و اعلامیه های خود در این حرکت شرکت فعال داشتند. تعدادی از رهگذرها از بنرهای ما عکس و فیلم می گرفتند. بخصوص برخی از جوان ها که آرم چریک ها را برداشته و با شوق می گفتند ما کمونیست هستیم! این حرکت مبارزاتی که با استقبال قابل توجهی روبرو شد سرانجام در روز جمعه سوم مارس در ساعت ۵ بعدازظهر به پایان رسید.

جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، نوکر غارتگران نابود باید گردد!
سازمان هواداران چریکهای فدایی خلق ایران در سوئد - استکھلم
۱۵ اسفند ۱۴۰۱ برابر با ۶ مارس ۲۰۲۳

مخدوش کننده صف انقلاب و ضد انقلاب، دست بردارند تا به نوبه خود سد راه ترویج شعارهای درست و راهگشا برای جنبش زنان نشوند.

یکی از نشانه های عمیق بودن انقلاب در هر جامعه ای، شرکت وسیع زنان در آن انقلاب است. در انقلاب ایران نیز همگان شاهد نقش پیشروی زنان و مبارزه طلبی قدرتمند و پرشور آنها بوده اند. از این رو دشمنان مردم برای سرکوب انقلاب روی سرکوب زنان تأکید دارند. به همین دلیل جمهوری اسلامی چنگال های خونین و زهرآلود خود را با حملات شیمیائی به مدارس دخترانه نشان داده و چهره فاشیستی خود را در مقابل همه مردم ایران، عیان تر می کند. نکته قابل توجه هم این است که حاضر نیست مستقیماً به جنایتی که مرتکب می شود اعتراف کند، اگر چه خود به خوبی می داند که مردم دلایل کافی در دست دارند که بگویند "کار خودشان است". بگویند که چرا دوربین های امنیتی چیزی ثبت نمی کنند؟ چرا نهادهای امنیتی و انتظامی در این مورد اظهار بی اطلاعی می کنند؟ و چراهای دیگر. همچنین تأکید کنند که کارخانه های ساخت سلاح های بیولوژیک شیمیائی مستقیماً در دست سپاه پاسداران و بسیج است و در نتیجه، این مزدوران و جیره خواران خود جمهوری اسلامی هستند که تحت نظارت دست اندرکاران این رژیم دست به چنین حملاتی می زنند. از طرف دیگر وحشیگری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در برخورد به والدین معترض دانش آموزان، دستگیری آنان و حتی پرتاب گاز اشک آور و زدن گاز فلفل به تجمع خانواده های دانش آموزان همانگونه که در رشت بود، برای مردم آگاه و مبارز ایران شکی باقی نمی گذارد که آنچه واقع می شود توطئه جدید جمهوری اسلامی برای حفظ شرایط ظالمانه حاکم به نفع سرمایه داران داخلی و خارجی می باشد.

در آخر بگویم که تمام تجارب تائکونی نشان می دهند که سرکوب زن، سرکوب جامعه است، همانطور که آزادی زن، آزادی جامعه است. در جامعه ما که تحت سلطه امپریالیستها قرار دارد، تنها یک انقلاب اجتماعی که رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون و سیستم سرمایه داری را از ریشه برکنند، می تواند آزادی زنان و آزادی جامعه را تضمین کند. به همین دلیل زنان و مردان مبارز ایران باید ضمن نفی هر گونه راه حل های ارتجاعی و رفرمیستی دست در دست هم مبارزه خود را در این جهت پیش ببرند. به امید برگزاری جشن ۸ مارس در ایران آزاد و دموکراتیک.

۱۵ اسفند ۱۴۰۱ برابر با ۶ مارس ۲۰۲۳

حمله شیمیائی به مدارس،

توطئه جدید جمهوری اسلامی

در تداوم مسمومیت های زنجیره ای در مدارس دخترانه که تنها در روز چهارشنبه دهم اسفند ماه، ۲۶ مدرسه در شهرهای تهران، اردبیل، شاهین شهر، کرج، و کرمانشاه را در بر گرفت، دیروز پنجشنبه ۱۱ اسفند نیز در دبیرستان دخترانه "راه زینب" اصلاندوز اردبیل بیش از چهل دانش آموز در معرض گازهای شیمیایی قرار گرفتند که به دلیل مسمومیت اجباراً به بیمارستان فرستاده شدند. علاوه بر این در این روز خوابگاه دختران دانشگاه فنی کرج نیز مورد حمله شیمیائی قرار گرفت.



حمله شیمیائی به مدارس دخترانه از ۹ آذر در قم آغاز شد و به تدریج به شهرهای دیگر از جمله ساری، اردبیل، تهران و بروجرد، تسری یافته و صدها دانش آموز را راهی بیمارستان نمود. این حملات تاکنون به مسمومیت بیش از ۹۰۰ دانش آموز منجر شده و یک دانش آموز دختر ۱۱ ساله ساکن قم به نام فاطمه رضایی در اثر مسمومیت از گاز شیمیائی جان خود را از دست داده است. با این حال و در شرایطی که حتی دانش آموزان برخی مدارس اعلام کرده و تاکید کرده اند که "شئی مانند یک نارنجک به داخل مدرسه پرتاب شده و گازی از آن خارج شده و متعاقب آن مسمومیت دسته جمعی شروع شده است"، وزیر آموزش و پرورش بی شرم جمهوری اسلامی مدعی شده که "بخش اعظم" این مشکل ناشی از "شایعات فضای مجازی" است! همچنین پس از گذشت نزدیک به چهار ماه از آغاز این حملات شیمیائی که در دو هفته اخیر شدت بیشتری پیدا کرده است، با اینکه برخی مقامات دولتی از جمله معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، "عمدی" بودن حملات شیمیائی و مسمومیت ها را تأیید کرده اند اما معاون اول قوه قضائیه تحقیقات تاکنونی را "بی نتیجه" خوانده است.

از طرف دیگر در تلاشی عبث به منظور شانه خالی کردن نظام جمهوری اسلامی از زیر بار مسئولیت این فجایع، روزنامه شرق به نقل از یکی از آخوندهای حوزه علمیه گزارش داد که "یک گروه اسلامی" در قم مسئول این حملات می باشد. همه این واقعیت ها بیانگر آنند که حتی اگر ادعای روزنامه شرق نیز پذیرفته شود و گویا "گروه های خود سر" دست به چنین جنایتی می زنند، اما در جمهوری اسلامی اراده ای برای جلوگیری از این حملات وحشیانه وجود ندارد. چگونه است که وقتی اراده گردانندگان نظام برای سرکوب و پیگرد مخالفین ایجاب می کند نیروهای امنیتی از تخصیص هرگونه امکان مادی و معنوی از جمله هزاران دروین تعبیه شده در سراسر شهرها برای دستگیری معترضین جنبش انقلابی ۱۴۰۱ دریغ نمی کنند، اما در مورد این سلسله جنایات علیه جان مردم بی گناه، همان نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی سکوت کرده و هیچ اقدامی در جهت شناسایی و دستگیری عاملان آن صورت نداده اند. مضافاً آنکه اینگونه جلوه می دهند که گویا همه تحقیقات بی نتیجه مانده است. اتفاقاً مردم ما با اتکاء به همه تجربه های موجود از جنایات این رژیم در طول ۴۴ سال و بویژه در ۶ ماه گذشته نمی توانند تردیدی به خود راه دهند که در پشت سر این حمله های بیولوژیک همچون نمونه های اسید پاشی به صورت زنان در اصفهان و قتل های زنجیره ای زنان در کرمان، خود سردمداران جمهوری اسلامی قرار دارند.

جنایت حمله به دانش آموزان دختر با گاز شیمیائی در شرایطی صورت می گیرد که سران جمهوری اسلامی چراغ سبز ارباب اعظم خود آمریکا را از زبان رابرت مالی، نماینده ویژه ایالات متحده آمریکا در امور ایران شنیده اند که قصد آمریکا "تغییر" جمهوری اسلامی نیست. پیشتر نیز چنین ندائی را از امپریالیسم فرانسه دریافت کرده بودند. اگر دیروز همپالگی های سفیر سوئیس در

ایران یعنی خانم "نادین الیویری لوزانو" برای زنان جلوه دادن انقلاب توده های رنج دیده ما در مقابل دوربین گیس می بریدند و با رواج شعار بی مسمای "زن زندگی آزادی" به نوبه خود می کوشیدند خواست واقعی مردم از انقلاب خود یعنی نان، کار مسکن و آزادی را لایوشانی نمایند، امروز این خانم که دولت متبوعش در ایران حافظ منافع امپریالیسم آمریکا نیز هست با سر کردن چادر مشکی (نه حتی روسری) در شهر قم در معیت آخوندهای جنایتکار حاکم به زیارت حرم می رود. با دریافت چنین پیام هایی از قدرت های پشتیبان جمهوری اسلامی است که این رژیم امروز با قوت قلب هرچه بیشتری وظیفه سرکوب مبارزات مردم ما را دنبال می کند.

هدف اصلی جنایت اخیر، گسترش جو ارعاب و ترس در جامعه می باشد. جمهوری اسلامی در گذشته بارها و بارها نشان داده است که برای این منظور در درجه اول زنان را مورد حمله قرار داده و سرکوب باز هم شدیدتر جامعه را با تشدید سرکوب زنان آغاز کرده است. سردمداران و گردانندگان جمهوری اسلامی در جریان جنبش انقلابی اخیر زخم های زیادی از دانش آموزان مبارز ایران دریافت کرده اند، به طور مثال از دختران جوان دانش آموز که عکس های خامنه ای و خمینی را زیر پایشان لگد مال کرده و با برداشتن روسری هایشان فریاد آزادی سردادند و به هر شکل ممکن تنفر خود از رژیم زن ستیز حاکم را نشان دادند. حال این رژیم با فرستادن پیام مرگ به آنها از طریق پخش گاز شیمیائی در مدارس، چنگال زهر آلود خود را به آنها و خانواده هایشان و از این طریق به کل جامعه نشان می دهند. آنها می کوشند با نمایش سیاست مرتجعین طالبان افغانستان علیه زنان افغان، جلوگیری از حضور دختران در مدارس و خانه نشین کردن آنها را یادآوری کنند. واضح است که این اعمال باعث نگرانی خانواده ها شده و در خدمت ایجاد رعب و وحشت در کل جامعه قرار دارد.

در حال حاضر، دست اندرکاران جمهوری اسلامی در حالی که سعی دارند آمرین و عاملان حملات شیمیائی به مدارس دخترانه را ناشناس جلوه دهند، اما توده های مردم بی عملی و رفتار آنها در برخورد به این جنایت را نشانه آشکاری از همسوئی آنها با دژخیمان مجری حمله به مدارس می دانند. به همین دلیل در تهران در برخی مدارس خانواده های دانش آموزانی که مورد حملات شیمیائی قرار گرفته اند، دست به تجمع زده و فریاد "مرگ بر این رژیم کودک کش" سر دادند.

چریک های فدائی خلق ایران ضمن محکوم کردن این جنایت آشکار، سردمداران جمهوری اسلامی را مسبب واقعی تعرض شیمیائی به دانش آموزان دانسته و معتقدند که نباید این اقدام دمدنشان را صرفاً به حساب نیرو های "خود سر" و "آتش به اختیار" رژیم گذاشت و به همین دلیل هم بار دیگر تاکید می کنند که تا این دژخیمان بر سر قدرت اند مردم ما قادر به زندگی در آرامش نخواهند بود و شرط آزادی نابودی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری وابسته حاکم بر ایران می باشد، سرمایه داری ای که جمهوری اسلامی حافظ آن می باشد و تا پابرجاست چنین رژیم های جنایتکاری را باز تولید خواهد کرد.

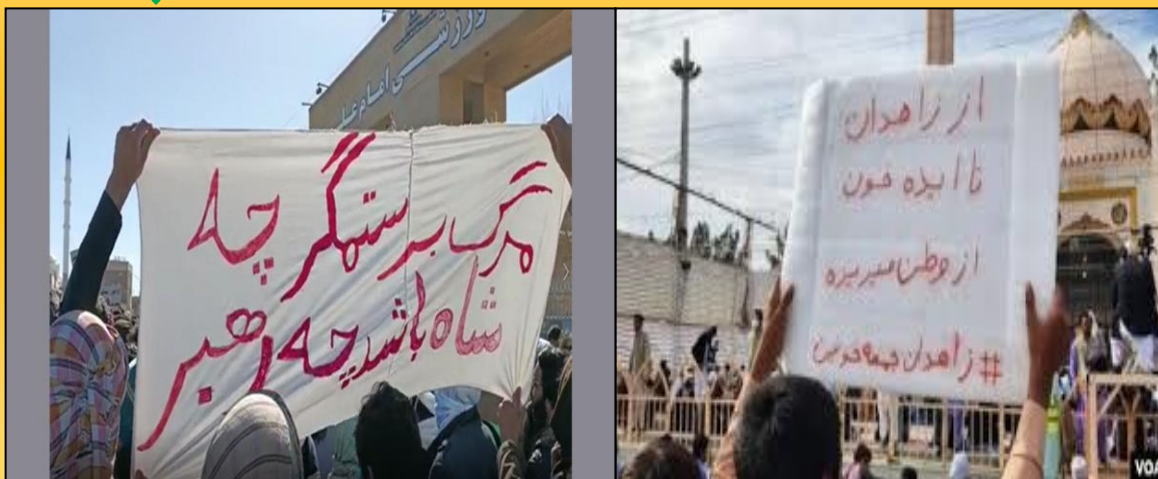
**جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، نوکر غارتگران
نابود باید گردد!**

**جمهوری اسلامی، ماحصل گوادلوپ ننگت باد، مرگت باد!
هر چه پر توانتر باد جنبش انقلابی توده های تحت ستم
علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی!**

چریک های فدائی خلق ایران
۱۱ اسفند ۱۴۰۱ برابر با دوم مارس ۲۰۲۲

اشرف دهقانی

تحلیلی از سیر جنبش انقلابی جاری (بخش پایانی)



دموکراتیک و آزاد دارند انقلاب می کنند این خواست ها را مطرح نکنند؟

از طرف دیگر، اصولاً از دل انقلابی چنین خونین که توده ها علیرغم کشتارهای روزانه و وحشیانه نیروهای سرکوبگر با قهرمانی و از خودگذشتگی بی نظیر این انقلاب را به پیش می برند، می باید شعرها و سرودها و کلاً آثار هنری جدید با محتوای طبقاتی و انقلابی پدید آید به طوری که هم ددمنشی دشمن و هم عملکردهای آگاهانه و ستایش برانگیز توده ها و افق پیروزی آنان را در خود منعکس سازد. در حالی که آثار هنری ای که امروز در دنیای مجازی پخش می شود، رنگ و بوی دیگری دارد و در آنها ماهیت و محتوای واقعی جنبش انقلابی کنونی آنگونه که باید تماماً منعکس نیست و یا حتی تأثیر گرفته از تبلیغات و جو ایجاد شده توسط مبلغین دنیای سرمایه داری می باشد. (۴) بدون شک موفقیت ارتجاع در ضعیف کردن صدای چپ نه فقط با دستگیری گسترده این نیروها بلکه با تبلیغات سازمان یافته وسیع چه در گذشته و چه در حال حاضر علیه کمونیسم و کمونیست ها کاملاً در این امر دخیل می باشد. دلیل دیگر در رابطه با اوضاعی که توصیف شد را می توان شدت سرکوب ذکر کرد که مجالی برای گسترش تظاهرات و طرح شعارهای برخاسته از دل مردم در تجمعات خود را نمی دهد. البته این را هم باید گفت که علیرغم همه سرکوب ها و ترفندهای دشمن که برای کنترل جنبش صورت می گیرد باز شعارهای مردمی چون "فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی" در تجمعات سر داده می شوند. اخیراً نیز در کردستان قهرمان شعارهای متعلق به کارگران و زحمتکشان ایران، چون "نان کار آزادی"، "زنده باد سوسیالیسم"، "رهبر ما کارگران، سنگر ما خیابان" در میان خون و آتش

مسلح جمهوری اسلامی گردید، و در این شرایط تظاهرات توده‌ای در شهرهای چون تهران، مشهد، اراک، اردبیل، قزوین، شیراز، زاهدان و... شکل گرفت و تداوم انقلاب را نشان داد. قابل ذکر است که بنا بر گزارشات سازمانهای مدافع حقوق بشر، با ورود به آذر ماه - در سومین ماه از آغاز اعتراضات مردمی- شمار شهرهای معترض نیز به ۱۵۷ شهر افزایش یافت. در این گزارشات گفته شده است که ۱۴۳ دانشگاه کشور نیز به اعتراضات پیوسته‌اند که در این میان ۵۷۴ دانشجو بازداشت شده‌اند.

۲۹- حمله وحشیانه به دانشگاه ها که یک نمونه از آن یورش به دانشگاه شریف در تهران و ضرب و شتم دانشجویان و دستگیری آنها بود، از وقایع مهم این مقطع شمرده می شود. چه حمله به دانشگاه‌ها و دستگیری دانشجویان و چه دستگیری‌های گسترده دیگر به خصوص در رابطه با نیروهای چپ، همگی ترفندهایی برای جلوگیری از تأثیر نیروهای آگاه جامعه در تظاهرات و خاموش کردن صدای چپ صورت گرفته و می گیرد. در همین رابطه یادآوری این نکته لازم است که در سال ۹۶-۹۷ شعارهای مربوط به ستمدیدگی کارگران، شعار "نان کار آزادی" و یا شعارهای مبتنی بر ادبیات کمونیستی چون "یا سوسیالیسم یا بربریت" در همه جا شنیده می شد، اما امروز که حتی بیشتر از آن سالها نان و کار و همچنین مسکن معضل اصلی اکثریت مردم ایران است، در اخبار و فیلم‌های منتشر شده، از چنان شعارهایی خبری نیست. چطور می شود انسان های معترض به شرایط ظالمانه حاکم در حالی که برای تغییر همین شرایط، جانشان را کف دستشان گرفته و در خیابان حضور می یابند از دادن شعارهای مربوط به زندگی خود احتراز کنند؟ چطور ممکن است کسانی که به خاطر نان، کار، مسکن و دست یابی به یک شرایط

توضیح پیام فدایی: بخشهای قبلی این ارزیابی ارزشمند از جنبش انقلابی ماه های اخیر در شماره های قبلی نشریه به چاپ رسیده است. توجه علاقه مندان را به بخش پایانی این مقاله جلب می کنیم.

۲۸- از وقایع مهمی که در این فاصله روی داد اعتراض مردم محروم زاهدان به فرمانده نیروی انتظامی‌ای بود که یک دختر بلوچ ۱۵ ساله را در چاه‌بهار مورد تجاوز قرار داده بود. این اعتراض در روز جمعه، ۸ مهر ۱۴۰۱ صورت گرفت و با توجه به حمله بسیار وحشیانه و بی رحمانه نیروهای سرکوبگر رژیم به توده معترض، به جمعه خونین زاهدان معروف شد. حمله مأموران رژیم به مردم ستمدیده بلوچ چنان خونین بود که در مدت کوتاهی بیش از ۱۰۰ نفر از مردم به قتل رسیدند. به دنبال این رویداد خونین، پس از گذشت ۴۰ روز از آغاز جنبش انقلابی جاری، در شرایطی که رسانه ها سعی کرده بودند انقلاب را در حال افول نشان دهند، برپائی مراسم چهل‌مرگ جانگداز ژینا (مهسا امینی) در ۴ آبان، سخنرانی پر محتوای پدر ژینا و جمعیت زیادی که علیرغم همه اقدامات نیروهای سرکوبگر از راه کوه و غیره خود را به محل مراسم رسانده بودند و بعد به وجود آمدن درگیری بزرگ بین این مردم داغدار و خشمگین و مأموران حیره خوار رژیم ؛ همچنین برگزاری چهل‌مرگ های دیگر شهدای جنبش و درگیری هایی که با حمله نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به این مراسم ها از جمله در خرم آباد در رابطه با قتل فجیع نیکا شاکرمی نوجوان بین این وحوش و مردم پیش آمد، به تدریج فضای انقلابی جدیدی در جامعه آفریده شد. در مراسم چهل‌مرگ حدیث نجفی (۱۲) آبان ۱۴۰۱ در کرج در شرایطی که سیلی از جمعیت شرکت کرده بودند و حمله مأموران جمهوری اسلامی به آنها منجر به یک جنگ واقعی بین مردم و نیروهای

فریاد زده شد. از مهاباد سرفراز نیز پیامی که به راستی با خون و آتش عجین بود به سراسر ایران ابلاغ شد: "از مهاباد، برای ۲ شهید تبریز، برای نیکا، برای تمام شهیدان راه آزادی در ساری، در مشهد، در تهران، در مریوان دوازده سواره، در بانه آربابا، در پیرانشهر مقاوم، در بوکان خونین، در سنندج خونین، سلام بر مهاباد، سلام بر رهبر شورشگر در خیابان، پیروز باد...".

۳۰- مسائل مطرح شده در فوق، بیانگر آن است که اگر امپریالیستها جهت شکست انقلاب سال ۵۷ آن را در نیمه راه به سود خود مصادره کردند، در مورد انقلاب ۱۴۰۱ از همان آغاز دست به کار شده اند. واقعیت این است که این انقلاب، امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا را در مخمصه شدیدی گرفتار کرده است. در جامعه ایران امپریالیست‌های گوناگون از روسیه و چین گرفته تا امپریالیست‌های اروپائی هر یک سهمی از استثمار کارگران ما و غارت منابع و ثروت‌های ایران را به خود اختصاص داده‌اند. اما در این میان آمریکا علیرغم

حضور ناپیدا در ایران و ابراز دشمنی با جمهوری اسلامی، امپریالیسم فائقه در جامعه ما بوده و بیشترین سود از سیاست‌های جمهوری اسلامی در ایران و منطقه را از آن خود ساخته است.

همانطور که می دانیم یکی از دلایل اعمال فشارهای شدید اقتصادی و اجتماعی به کارگران و دیگر توده‌های تحت ستم ایران تبعیت جمهوری اسلامی از سیاست‌های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی می‌باشد، دو نهاد امپریالیستی که آمریکا حرف آخر را در آنها می زند. از طرف دیگر بیشترین سود از پیشبرد سیاست بنیادگرایی اسلامی توسط جمهوری اسلامی، نصیب ایالات متحده آمریکا می گردد.

جمهوری اسلامی در طی ۴۳ سال حاکمیت خود با پیروی از سیاست‌های دیکته شده توسط دو نهاد امپریالیستی نامبرده شده در فوق، شرایط را برای استثمار وحشیانه نیروی کار که سود حاصل از آن در درجه اول به جیب سرمایه داران خارجی می رود، فراهم کرده است. این سرمایه داران یا خود مستقیماً در ایران سرمایه گذاری کرده اند یا از طریق صدور تکنولوژی و دادن وام و انجام معاملات کلان به استثمار نیروی کار و غارت منابع ایران مشغولند.

از طرف دیگر رژیم حاکم تحت عنوان صدور اسلام به کشورهای خاورمیانه

و برخی از کشورهای آفریقائی و رواج بنیاد گرایی اسلامی (که گویا آمریکا با آن مخالف می باشد)، نه تنها دست آمریکا و شرکایش را برای صدور اسلحه و میلیتاریزه کردن خاورمیانه باز گذاشته است بلکه با صرف ثروت‌های ملی مردم ایران جهت تقویت نیروهای مرتجع اسلامی در عراق، سوریه، یمن، لبنان،



فلسطین و یا قرار دادن کمک های مالی و تسلیحاتی در اختیار طالبان در افغانستان به مقابله و کنار زدن نیروهای مبارز با اندیشه‌های کمونیستی و مترقی در سطحی وسیع پرداخته است. حاصل این عملکرد که تقویت ارتجاع در منطقه و قرار گرفتن توده‌های این کشورها در زیر سلطه حکومت های مرتجع اسلامی است، در درجه اول به امپریالیسم آمریکا امکان داده است تا با خیال راحت ضمن استثمار نیروی کار، منابع و ثروت های نهفته در دل این کشورها را به یغما برد که حاکم شدن بر چاه‌های نفت عراق و غارت معادن غنی افغانستان توسط سرمایه‌داران آمریکائی، نمونه‌هائی در این زمینه می باشد. در واقع، سودی که امپریالیسم آمریکا از سیاست بنیادگرایی اسلامی (که جمهوری اسلامی یکی از پیشبرندگان مهم آن در منطقه می باشد) می‌برد بسیار بیشتر و فروتن‌تر از سودی است که این امپریالیسم در دوره شاه با حضور علنی خود در ایران از طریق صدور سرمایه و کالا نصیب خود می ساخت. با توجه به چنین واقعیتی واضح است که موفقیت مردم مبارز ایران در سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی چه ضربه بزرگی به منافع امپریالیستها و به خصوص امپریالیسم آمریکا وارد خواهد کرد. در این صورت به خصوص آمریکا یکی از چماق‌های بزرگ خود مربوط به سیاست بنیادگرایی اسلامی را از دست خواهد داد(۵) درست به دلیل منافع

کلانی که امپریالیستها با وجود رژیم جمهوری اسلامی نصیب خود می سازند، این قدرت های بزرگ با همه توان در مقابل انقلاب جاری مردم محروم و ستمدیده ما قرار دارند و می کوشند به هر طریق از سقوط جمهوری اسلامی جلوگیری نمایند. اما در عین حال خود را برای شرایطی که حفظ این رژیم را به نفع خود نبینند نیز آماده می کنند که آلترناتیو سازی‌هایشان از جمله از طریق سلطنت پیشین و اخیراً با به میدان آوردن حامد اسماعیلیون از آن جمله است.

در طول ۴۳ سال حاکمیت جمهوری اسلامی، استثمار وحشیانه کارگران و به هدر دادن ثروت‌های ملی مردم ما در رابطه با پیشبرد سیاست بنیادگرایی اسلامی، اکثریت مردم ایران را با فقر و فاقه شدید و مصیبت‌های ناشی از آن مواجه ساخته است. فشارهای نفس‌گیر اقتصادی و اجتماعی به همراه اعمال دیکتاتوری شدیداً و وسیعاً قهر آمیز علیه اکثریت آحاد جامعه نمی توانست به عصیان توده‌ها و مقاومت قهرمانه آنان در مقابل سرکوب‌های وحشیانه رژیم و امروز به انقلاب جاری در کشور منجر نشود. اما، با این انقلاب شرایط بسیار ناگواری برای امپریالیست‌ها، این دشمنان اصلی مردم ایران به وجود آمده و آنها را برای یافتن یک راه حل کارآمد به سود خود، به مخمصه انداخته است. مسلماً بیشترین کوشش امپریالیسم آمریکا و شرکاء حفظ جمهوری اسلامی می باشد. اما با توجه به این که در حال حاضر توده‌های کار در استخوان رسیده ما با شجاعت بی نظیر در مقابل سرکوب‌های دمدنشانه و بی رحمانه نیروهای مسلح سرمایه داران (ارتش، سپاه پاسداران، بسیج و پلیس و لباس شخصی) به طور جانانه مقاومت می کنند و در شرایطی که خون خود را برای دست‌یابی به پیروزی بی دریغ بر زمین می ریزند، این امر که دشمنان قادر به حفظ رژیم حاکم و حداکثر ایجاد تعدیل‌هائی در سیاست داخلی آن خواهند بود و یا قدرت انقلاب توده‌ها، آمریکا را بر آن خواهد داشت که به اجبار تن به سرنگونی جمهوری اسلامی بدهد، موضوعی است که روند اوضاع تعیین می کند.

۳۱- انقلاب جاری در پروسه رشد و تکامل خود زمانی قادر به دگرگونی نظم اقتصادی - اجتماعی حاکم خواهد شد که یک تشکیلات انقلابی کمونیستی که به راستی مدافع منافع طبقه کارگر و دیگر توده‌های

را دارند و امکان رشد و اعتلای جامعه و خود را نیز فراهم می‌نمایند.
امپریالیست‌ها دشمنان اصلی مردم ما هستند.

زیرنویس‌ها:

۴- مثلاً سرود پرمحتوا و کوبنده "برپا خیز از جا کن بنای کاخ دشمن" که در جریان انقلاب ۱۳۵۷ تنظیم شده است را امروز به "برپا خیز برای زن زندگی آزادی" تبدیل کرده اند. در متن سرود اولیه از جمله گفته می‌شود: "به هر کجا نشان ثروت است، ز حاصل تلاش کارگر است/ زمین غنی ز رنج بزرگر، ز همتش شود ز دانه خرمنی". چرا چنین محتوایی از آن سرود حذف شده است؟

در سرود قبلی گفته می‌شود برپا خیز که بنای کاخ دشمن را از جا بکنی و در نتیجه بنای نوینی برای خود و به واقع برای جامعه بر پا کن. اما وقتی گفته می‌شود که برای زن زندگی آزادی برپا خیز، نه قرار است در وضع کارگر و نه در وضع بزرگر تغییری ایجاد شود و نه کلاً از جامعه نوینی نوید داده می‌شود که باید برایش به پا خاست.

۵- در اینجا بی‌مناسبت نیست به این نکته اشاره شود که وقتی ما بر تحت سلطه امپریالیسم بودن جامعه ایران و وابستگی سرمایه داری حاکم بر ایران به امپریالیسم تأکید می‌کنیم و پیروزی انقلاب توده‌های رزمنده ایران و دست یابی آنها به یک زندگی انسانی را در گرو قطع هرگونه نفوذ امپریالیست‌ها در شئون جامعه خود و استقلال از امپریالیسم ذکر می‌کنیم، برخی از روشنفکران تحت تأثیر تبلیغات رایج، جمهوری اسلامی و سرمایه‌داری حاکم بر ایران را قائم به ذات و مستقل خوانده و به رد نظر چریک‌های فدائی خلق می‌پردازند. در حالی که تنها توجه به این واقعیت کافی است که صرف میلیاردها دلار از ثروت‌های ملی مردم ایران در خاورمیانه از طرف جمهوری اسلامی به مثابه یک رژیم مدافع سیستم سرمایه داری در کشور، نه تنها کمکی به رشد اقتصاد در ایران نمی‌کند بلکه بر عکس باعث وخامت این اقتصاد گشته است. در حالی که اگر سرمایه داری در ایران در جهت تأمین منافع کارتل‌های امپریالیستی سازمان نیافته بود و همانند کشورهای مترویل قائم به ذات بود، دخالت جمهوری اسلامی در خاورمیانه قاعدتاً می‌بایست با هدف سود رسانی به اقتصاد ایران پیش می‌رفت، در حالی که چنین نیست و نتیجه اقدامات او در اساس به جیب سرمایه داران خارجی (امپریالیسم آمریکا و شرکایش) می‌رود.

اقدامات انقلابی ای که امروز از آتش زدن پایگاه‌های بسیج گرفته تا حمله به کلانتری‌ها و کوشش در مسلح کردن خود و اعدام انقلابی مأموران سرکوبگر رژیم و نظایر آن صورت می‌گیرد همگی حاکی از شکل‌گیری روابط و تشکلهائی _ حال در هر سطح _ در میان جوانان رزمنده ایران می‌باشد. رشد و تکامل این پروسه حتی پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی یکی از مهمترین و بزرگترین دست‌آوردهای مردم ما از انقلاب کنونی خواهد بود. جریان انقلاب کنونی در تداوم جنبش‌های انقلابی ۱۳۸۸، دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ شکل گرفته است و دارای همان اهدافی است که در آن جنبش‌ها مطرح بود. برای رهایی از این اوضاع هیچ راهی جز دگرگونی و جایگزینی اقتصاد بیمار و ورشکسته کنونی با یک اقتصاد نوین و پیشرونده وجود ندارد. انقلاب ۱۴۰۱ درست در پاسخ‌گویی به چنین نیازی برپا گشته است.

هر سطح _ در میان جوانان رزمنده ایران می‌باشد. رشد و تکامل این پروسه حتی پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی یکی از مهمترین و بزرگترین دست‌آوردهای مردم ما از انقلاب کنونی خواهد بود.

در پایان تأکید کنم که جریان انقلاب کنونی در ایران در تداوم جنبش‌های انقلابی ۱۳۸۸، دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ شکل گرفته است و دارای همان اهدافی است که در آن جنبش‌ها مطرح بود. سیستم سرمایه داری وابسته حاکم بر کشور شکاف طبقاتی را شدت و عمق هر چه بیشتری بخشیده به طوری که ثروت در دست سرمایه داران (کسانی که از قتل کار دیگران به زندگی انگلی مشغولند) و فقر و بدبختی کارگران و زحمتکش‌ها تهی دست که به نان شب خود نیز محتاجند، دامن جامعه را فرا گرفته است. اقتصاد ورشکسته حاکم، کلیت جامعه را به هرج و مرج کشانده و آن را از رشد و اعتلای خود باز داشته است. برای رهایی از این اوضاع هیچ راهی جز دگرگونی و جایگزینی اقتصاد بیمار و ورشکسته کنونی با یک اقتصاد نوین و پیشرونده وجود ندارد. انقلاب ۱۴۰۱ درست در پاسخ‌گویی به چنین نیازی برپا گشته است. کارگران و توده‌های محروم و زحمتکش و در یک کلام تهیدستان و گرسنگان به پا خاسته اند تا نظم کهنه سرمایه داری حاکم بر ایران و سلطه اهریمنی جمهوری اسلامی به مثابه حافظ این نظم را به زیر بکشند و با تداوم انقلاب خود راهی را بپیمایند که انتهایش برپائی اقتصاد سوسیالیستی درجامعه است. در جامعه سوسیالیستی، نان کار مسکن برای همه فراهم است، جامعه آزادی که انسانها فرصت و امکان پرورش استعدادهای خود

تحت ستم ایران باشد در سر آن قرار گرفته و راهبر انقلاب توده‌ها گردد. در حال حاضر فقدان چنین تشکیلاتی ضعف بزرگ انقلاب مردم ماست. اما این انقلاب فرصت بسیار مناسبی را برای متشکل شدن نیروهای انقلابی جامعه به وجود آورده است. بنابراین دست آورد بزرگ توده‌ها از انقلاب جاری این خواهد بود که جوانان انقلابی، امروز با دست زدن به اقداماتی در جهت تشکلهائی و تسلیح خود زمینه تشکیل چنان تشکیلات انقلابی را در آینده فراهم نمایند. کوشش در مسلح کردن خود و تشکیل گروه‌های سیاسی- نظامی با تعدادی اندک و به صورت کاملاً مخفی و با رعایت شدید مسائل امنیتی و دست زدن به جنگ چریکی یا پارتیزانی با رژیم حاکم به معنی برداشتن قدم اول در این مسیر می‌باشد. هدف از این اقدامات در حال حاضر ایجاد یک جتر حمایتی از توده‌های انقلابی در صحنه مبارزه کنونی است. بدون شک خود شرایط به این گروه‌ها نشان خواهد داد که با چه تاکتیک‌هایی می‌توانند در مبارزات توده‌ها تأثیر گذاشته و انقلاب را به پیش ببرند. در این میان طرح مطالبات کارگران و زحمتکش‌ها و خواست‌های آزادیخواهانه همه ستم‌دگان ایران، از طریق پخش اعلامیه، تراکت و دیوار نویسی از اهمیت زیادی برخوردار است. با یادآوری این تجربه و این آموزش مهم که راه پیروزی انقلاب در ایران یک قیام کوتاه مدت یکی دو روزه نیست، انقلابیون در گروه‌های سیاسی- نظامی الزاماً باید استراتژی خود را بسیج و سازماندهی توده‌ها و پیشبرد یک جنگ توده‌ای با دشمن قرار بدهند. این امر حتی در صورت تعویض قدرت از بالا توسط امپریالیست‌ها یا به زبان خودشان "رژیم چنچ"، به گروه‌های سیاسی- نظامی امکان تداوم انقلاب را خواهد داد. بدون وارد شدن به جزئیات و تأکید بر مجهز کردن خود به مارکسیسم- لنینیسم که سلاح بُرنده در دست طبقه کارگر و مدافعین راستین کارگران و زحمتکش‌ها می‌باشد، در اینجا باید تأکید کنم که چشم انداز قدم‌های اولیه‌ای که امروز با تشکیل گروه‌های سیاسی- نظامی برداشته می‌شود در یک پروسه دراز مدت برقراری یک رژیم دموکراتیک به رهبری طبقه کارگر و تأمین همه خواست‌های برحق و عادلانه توده‌های وسیع ایران و گذر به یک جامعه سوسیالیستی خواهد بود.

۳۲- اقدامات انقلابی ای که امروز از آتش زدن پایگاه‌های بسیج گرفته تا حمله به کلانتری‌ها و کوشش در مسلح کردن خود و اعدام انقلابی مأموران سرکوبگر رژیم و نظایر آن صورت می‌گیرد همگی حاکی از شکل‌گیری روابط و تشکلهائی _ حال در

ابعاد خشم توده ها از زن و مرد بطور باورنکردنی هر روز ادامه یافت و جلادان حاکم هر روز با سرکوب عریان، دختران و پسران بی شماری را به کام مرگ نشانددند. در همه این اعتراضات که البته در روند و پیشروی جنبش بدرستی گفته میشه (بهش نگید اعتراض ، این دیگه انقلابه) صدای رسای دختران و زنان جوان خطاب به مزدوران رژیم شنیده میشد که میگفتند هر یک نفر کشته شه ، هزار نفر پشتشه ، شعارهایی که نشان دهنده نفرت شدید مردم از جمهوری اسلامی و عزم آنها برای نابودی این رژیم بود.

شعارهایی مثل نابود باد جمهوری اسلامی ، جمهوری اسلامی نمی خوایم، نمی خوایم که از همان آغاز مبارزات سر داده شدند همراه با شعار فقر ، فساد ، گرونی ، میریم تا سرنگونی ، همگی نشان دهنده مطالبات واقعی بودند که در بطن خود بطور شفاف نشان می دادند که مردم برای پایان دادن به مصیبت های اجتماعی می دانند که باید تیر را به ریشه ها بزنند. ، وقتی مردم شعار "فقر و فساد و بیداد ، مرگ بر این استبداد" را میدهند در واقع ستون فقرات نظام سرمایه داری انگلی که جمهوری اسلامی حافظ آن است را از بیخ و بن مورد ضرب قرار میدهند. این یک شعار شفافیه که هیچ جایی برای تعبیرات متفاوت باقی نمی گذارد. این شعار ، خواست توده ها برای پایان دادن به فقر و بیکاری و بی خانمانی و دیکتاتوری را بیان می کند. یا شعار "سقف و کتاب و گندم ، قدرت بدست مردم" صریحا نیازها و مطالبات اساسی را بیان میکند که هم ضرورت آگاهی و هم نیاز به مسکن و نان را در بر دارد و در همان حال کسب قدرت سیاسی بدست خود مردم و رقم زدن سرنوشتشان برای تامین این خواسته ها در افق دیدش قرار داده. به همین خاطر هم در را بر روی همه تقاله هایی که این روزها قدرت سیاسی را از امپریالیست ها گدایی میکنند کاملاً می بندد .

وقتی زنان و دختران مبارز شجاعانه روسری های خود را به آتش میکشند و در همان حال شعار "نه نون داریم نه خونه ، حجاب شده بهونه" را سر میدهند این نشان می دهد که آنها ، هم به اسارت بار بودن حجاب اجباری واقفند و هم لغو حجاب اجباری را با تغییرات بنیادین برای خواسته نان و کار و مسکن گره می زنند.

حال به این موضوع می پردازم که در جامعه ای که شدت فقر و فساد و بیکاری و بی خانمانی و گرانی در یک حد انفجاری هست، در جامعه ای که سالهاست در هر بخشی شاهد هزاران اعتصاب و اعتراض به وضع موجود هستیم، چرا و چگونه شعاری مثل (زن ، زندگی ، آزادی) عمده گی پیدا میکند و زیان این شعار برای جنبش انقلابی کنونی بطور عام و برای جنبش زنان بطور خاص چیست؟

جنبش زنان به شعارهای شفاف نیاز دارد!

(متن سخنرانی رفیق سارا نیکو در مراسم یادمان ۸ مارس، روز جهانی زنان کارگر و زحمتکش در کلاب هاوس، مورخ ۱۱ مارس ۲۰۲۳)



تظاهرات دلاورانه زنان در اعتراض به سیاست حجاب اجباری جمهوری اسلامی در سال ۵۷

بسیاری بر اثر اصابت گلوله های ساچمه ای چشم خود را از دست داده اند و در زندان ها مورد شکنجه و آزار و تجاوز قرار گرفته اند، اینها برای سرنگونی جمهوری اسلامی جانیشان را کف دستشان گذاشته اند و برای پایان دادن به ظلم و ستم هائی که به آنها اعمال می شود مبارزه می کنند. پس، چنانچه ما نتوانیم خواسته ها و چشم اندازهای واقعی خود را شفاف و بدون هر گونه اجازه و امکان سوء تفسیر بیان کنیم نه تنها دست مرتجعین رنگارنگ را برای هرز بردن مسیر مبارزه امان باز گذاشته ایم بلکه در واقع اجازه داده ایم که مرتجعین از نیروی مبارزاتی ما جهت کسب قدرت سیاسی خود استفاده ایزاری کنند. با این کار ما نه تنها به خواست های خود نمی رسیم بلکه ستم های موجود ، در ابعاد دیگری ادامه خواهند یافت.

خوب حال نگاهی بیندازیم به سیر شعار ها در خیزش انقلابی اخیر.

همه آگاه هستند که کلا جامعه ایران زیر حاکمیت دیکتاتوری جمهوری اسلامی همواره به آتشی زیر خاکستر تشبیه شده و مردمی که با همه وجود از این نظام نفرت دارند از هر فرصتی برای اعتراض علیه رژیم استفاده کرده اند. می دونیم که ژنای امینی ، دختر جوان گردی که برای تفریح به تهران آمده بود ، به بهانه بد حجابی توسط گشت ارشاد دستگیر و در بازداشتگاه توسط جلادان مورد ضرب و شتم قرار گرفت و به کما فرو رفت و چند روز بعد در ۲۵ شهریور امسال در بیمارستان کسرای تهران جان باخت. قتل این دختر نوجوان گرد جرقه ای بود که خاکستر خشم مردم را کنار زد و آتش خشم انقلابی مردم در سراسر ایران با فریادهای میکشم ، میکشم هر آنکه خواهرم کشت در همه جا شنیده شد.

با درود و گرامیداشت روز جهانی زن ، درود ویژه بر زنان مبارز ایران که در این ۶ ماهه گذشته با مبارزات و مقاومت خود در مقابل دژخیمان حاکم، شجاعت و آگاهی انقلابی خود را در انظار جهانیان به تصویر کشیدند و برگ نوینی در مبارزات آزادیخواهانه زنان در سراسر جهان گشودند. بر کسی پوشیده نیست که زنان در ایران در ۴۴ سال گذشته زیر حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی که زن ستیزی یکی از وجوه بارز این رژیم می باشد علیه ستمگران جنگیده اند ، و در همه این سالها با وجود سرکوب عریان در عرصه های مختلف علیه زن ستیزی رژیم مبارزه کرده اند. در این راه، آنها زندان و شکنجه و اسید پاشی و تجاوز و مرگ را بارها تجربه کرده اند ولی هر بار مصمم تر از گذشته برای نابودی ستم بر پا خاسته اند. بارها در این باره صحبت کرده ایم که انگیزه قوی مبارزاتی که زنان ایران در مبارزه علیه جمهوری اسلامی دارند ناشی از ستم های شدیدی که بر زنان ایران تحمیل شده است و رهائی از ستم را برای زنان به امری اجتناب ناپذیر تبدیل کرده. به همین خاطره که می بینیم در هر جنبشی زنان در صف مقدم مبارزات آزادیخواهانه جامعه قرار دارند. امروز دختران و زنان جوان در وسعتی چشمگیر، دلیرانه برای نابودی جمهوری اسلامی می جنگند و با از خود گذشتگی و شایستگی تمام در جهت دست یابی به همه حقوق بر حق خویش و رسیدن به آزادی در صف مقدم مبارزه قرار گرفته اند.

بحث من اینجا مشخصا به موضوع اهمیت طرح شعارهای شفاف که بتوانند خواسته ها و مطالبات واقعی زنان در جامعه را مطرح کنند مربوط می شود. این موضوع از اینرو اهمیت پیدا می کند که در شرایطی که نیمی از جامعه ما که زنان هستند، زنانی که در خیابان ها باتوم ، مشت و لگد مزدوران را تحمل کردند،

هستند و تا این خواست های اساسی تأمین نشوند ، نه از آزادی زن خبری خواهد بود و نه از بین رفتن دیکتاتوری و آزادی کل جامعه.

البته بسیار طبیعی هست که دختران و زنان در ایران که تحت ستم مستقیم رژیم جمهوری اسلامی هستند ، بدون این که به محتوای این شعار فکر کنند ، بدون این که تحلیلی از چرایی حمایت غرب از این شعار داشته باشند ، از اینکه در یک جامعه مرد سالار از زن با واژه زندگی و آزادی نام برده شود ، خوشحال باشند و آن را تکرار کنند و حتی رهایی خود را از قید قوانین و مقررات زن ستیزانه اسلامی ، تصور کنند. در نتیجه ایرادی به این زنان نیست. ولی این وظیفه زنان پیشرو هست که در مورد ستم بر زنان و رهایی آنان ، شعار های شفاف و انقلابی را مطرح و تبلیغ کنند. البته به نوعی شواهد نشان میدهد که در درون جامعه این شعار بسیار کمرنگ تر شده ، در حالیکه در خارج از کشور توسط شاه الهی ها و رسانه های وابسته به آن ها ، شب و روز تبلیغ میشود ، امری که امروز هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده این جریان مرتجع طالب سلطنت ، همین شعار گنگ و بی محتوا را هم به شعار "زن ، زندگی ، پهلوی" تغییر داده است. یکی از خصوصیات تداوم جنبش های انقلابی در همین هست که در پروسه حرکت خود رشد میکند و صیقل پیدا میکند و از شعارهای نادرست سریعاً عبور میکند و خودش را به شعارهایی که در برگرفته خواسته های آنهاست مجهز میکند. ما این تغییرات را بوضوح در خیزش بزرگ چند ماه اخیر شاهد بودیم ، مبارزات متداوم خلق بلوچ و حضور پرشور زنان و رشد خواسته ها و مطالبات آنها در این چند ماه به خصوص با خواست دموکراسی و برابری ، فقط نمونه ای از این رشد مبارزاتی می باشد.

واقعیت این هست که شعار (زن ، زندگی ، آزادی) یک شعار پوپولیستی است که با هیچ تحلیل مارکسیستی نمیتوان آن را توضیح داد ، نه منشاء طبقاتی دارد و نه حتی جنبه برابری طلبانه. شعار نامفهومی است که با هدف همه با هم و در جهت مخدوش ساختن صف خلق و ضد خلق به عنوان شعار محوری به جنبش انقلابی ایران حقه شده است. با این شعار می توان آتش انقلاب ایران را که از زیر آتش فقر و بیکاری و تبعیض و بی خانمانی سر برآورده ، خاموش ساخت و به رفرمیستی ترین شکل آن را نابود کرد. حالا چرا برخی رفقا و جریانات چپ این شعار را در سر لوحه شعارهای خود قرار داده اند جای سؤال دارد! گویا این رفقا متوجه نیستند که وقتی شعار نان ، کار ، مسکن و آزادی را به حاشیه می برند ، عملاً دست نیروهای راست را برای تعرض به مبارزات انقلابی مردم باز میگذارند. در حالی که وظیفه نیروی پیشرو، طرح و ترویج شعار های انقلابی در جهت پیشبرد

واقعیت این است که نیروهای رفرمیست و پرو امپریالیست سال هاست روی پتانسیل بزرگ مبارزاتی زنان ایران سرمایه گذاری کرده اند ، از دوران اصلاحات با راه انداختن کمپین های تعدیل دادن قوانین ضد زن گرفته تا کمپین آزادی های یواشکی و چهارشنبه های سفید و ده ها برنامه دیگر و این بار هم با شروع مبارزات انقلابی توده ها که میرفت تا پایانی بر نظام غارتگرانه حاکم بگذارد ، همه جریانات راست و پرو امپریالیسم فرصت را غنیمت شمردند تا در پناه یک شعار مبهم همه این مبارزات را در مثلاً تجلیل از شجاعت زنان ایران در چهارچوب لغو حجاب اجباری و انقلاب زنانه و انقلاب دهه هشتادی ها نشان دهند. شعار (زن ، زندگی ، آزادی) در ایران در مراسم خاکسپاری ژینا توسط یک نفر داده شد و بلافاصله توسط رسانه های غربی در سطحی وسیع ، تکرار شد.

سرمایه داری را تأمین کند ، نخواهد بود. در بطن شعار (زن ، زندگی ، آزادی) هیچ یک از خواسته های اقتصادی و سیاسی جامعه منعکس نمیشود. این شعار ضرری که برای جهان سرمایه داری ندارد هیچ، بلکه در پناه این شعار ماهیت مبارزات انقلابی مردم ایران تحریف شده است. به این فکر کنیم که کدام شعار انقلابی تا به حال در انقلابات وجود داشته اند که توسط امپریالیست ها تا این حد مورد تبلیغ و ترویج قرار گرفته باشند؟ این چه شعار انقلابی هست که از راست ترین جناح های سرمایه تا متاسفانه بخشی از چپ ، امروز بدنال آن به راه افتاده است ؟ از خود سؤال کنیم که دولت های امپریالیستی ، سلبریتی های هالیوودی که بیش از ۴۰ سال است با سکوت از کنار جنایات جمهوری اسلامی در مقابل زنان ایران ، رد شده اند و از هیچ یک از جنبش های عظیم توده ها در سالهای اخیر حمایت نکرده اند چه اتفاقی افتاده که امروز جلوی دوربین ها گیس می برند و از انقلاب مهسا حرف میزنند؟ حامیان سرمایه ، جز به انحراف بردن انقلاب ایران و سپردنش به یک نیروی ارتجاعی و پرو امپریالیستی دیگر در جهت تضمین منافع خود در آینده ایران ، چه هدف دیگری میتوانند داشته باشند؟

حجاب نماد اسارت زن است و لغو آن یکی از خواسته های مهم زنان ایران است ، ولی این تنها خواست زنان ایران نیست که نیروهای ارتجاعی روی آن ، این همه تأکید می کنند و با نمایشاتی از قبیل بریدن موی سر خود ، این طور القاء می کنند که انگار زنان ایران هیچ درد و خواستی ندارند جز لغو حجاب. در حالی که آنها زنان و مردان کارگر، معلمان ، بازنشستگان که از فرط فقر کمرشان شکسته است در اعتراض به نظم موجود هست که در خیابان ها هستند اینها مسائل اساسی برای مردم ما

واقعیت این است که نیروهای رفرمیست و پرو امپریالیست سال هاست روی پتانسیل بزرگ مبارزاتی زنان ایران سرمایه گذاری کرده اند ، از دوران اصلاحات با راه انداختن کمپین های تعدیل دادن قوانین ضد زن گرفته تا کمپین آزادی های یواشکی و چهارشنبه های سفید و ده ها برنامه دیگر و این بار هم با شروع مبارزات انقلابی توده ها که میرفت تا پایانی بر نظام غارتگرانه حاکم بگذارد ، همه جریانات راست و پرو امپریالیسم فرصت را غنیمت شمردند تا در پناه یک شعار مبهم همه این مبارزات را در مثلاً تجلیل از شجاعت زنان ایران در چهارچوب لغو حجاب اجباری و انقلاب زنانه و انقلاب دهه هشتادی ها نشان دهند.

شعار (زن ، زندگی ، آزادی) در ایران در مراسم خاکسپاری ژینا توسط یک نفر داده شد و بلافاصله توسط رسانه های غربی در سطحی وسیع ، تکرار شد تا جایی که ده روز بعد از قتل ژینا روزنامه لیبراسیون فرانسه ، صفحه اول روزنامه خود را با این شعار به فارسی منتشر کرد و سایر رسانه های غرب در پخش و ترویج این شعار از هم سبقت میگرفتند در حالیکه در تظاهرات های خونین مردم در ایران شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و شعارهایی که خواست مردم بودند ، داده میشد ولی رسانهای غربی همچنان بر طبل موضوع حجاب به مثابه خواسته اصلی زنان ایران می کوبیدند. این موضوع تا حدی پیش رفت که نه تنها چهره های معروف ایرانی بلکه از سیاستمداران تا چهره های هنری غرب همه تلاش میکردند با تکرار این شعار از قافله "انقلاب زنانه" خواندن انقلاب ایران در جلوی دوربین ها ، عقب نمانند. از راست ترین و ضد زن ترین سیاستمداران امپریالیستی یعنی کسانی که در همین کشورها حق سقط جنین را غیر قانونی کرده اند و هر روز حقوق زنان را پایمال میکنند ، تا لیبرال های هالیوود با ژست همراهی با زنان ایران این شعار را در هر فرصتی مطرح میکردند ، بواقع ما در این مقطع شاهد تلاشی عظیم و هدایت شده از سوی نهادهای ضد مردمی بودیم که اینبار با سو استفاده از ستم بر زنان ایران صحنه را برای انحراف مسیر مبارزاتی مردم و حداکثر رژیم چنج و نه انقلاب اجتماعی آماده میکردند. تازه، این تبلیغات در حالی بود که صد ها ویدیو از مبارزات زنان و مردانی که دوشادوش هم علیه دشمنانشان می جنگیدند وجود داشت و این هم‌رزمی دختران و پسران جوان در مقابله با مزدوران رژیم به شکلی غیر قابل انکار در تمام این دوران ادامه یافت.

حال کسانی که با همه این شواهد هم رزمی زنان و مردان ، این انقلاب را زنانه می نامند ، هر نیتی هم که داشته باشند ، در نهایت نتیجه کارشان چیزی جز تغییر چهره ظاهری سیستم کنونی و جایگزینی آن با سیستمی مشابه که بتواند در درجه اول با ادامه وضع موجود منافع نظام

که شعار (زن ، زندگی ، آزادی) در اساس ظرفیت پاسخگویی به هیچ یک از این نا بسامانی های را نمی تواند داشته باشد و قادر نیست حتی به از بین رفتن کمترین ستم به زنان بینجامد.

ما تجربه تلخ شکست انقلاب سال ۵۷ را پشت سر داریم و می دانیم که خواست واقعی مردمی که میلیونی در خیابان ها بودند ، استقلال و آزادی و رهایی از چنگال فقر و دیکتاتوری بود ، دارو دسته خمینی به کمک رسانه هایی چون بی بی سی ، با جنجال ، جمهوری اسلامی را هم به این شعار اضافه کردند و هر صدای مخالفی را که می پرسید جمهوری اسلامی دیگر چیست؟ چه نوع نظام اقتصادی هست و چگونه قرار است به فقر و نابسامانی پایان دهد را با وحدت کلمه خفه میکردند و میگفتند موضوع اصلی امروز فقط سرنگونی شاه هست. این درست همین کاری ست که نیروهای پرو امپریالیستی و طالبان سلطنت ، امروز انجام میدهند. ما نتیجه چنین سیاستی را ۴۴ سال هست تجربه کرده ایم ، شرایط نه تنها بهتر نشد بلکه دیکتاتوری سیاه تری جایگزین دیکتاتوری شاه شد و همان نظم غارتگرانه سرمایه انگلی باقی ماند ، امروز هم دشمنان مردم با شعار (زن ، زندگی ، آزادی) تلاش میکنند صف خلق و ضد خلق را مخدوش سازند و با این شعار همه خواسته های مردم را در چهارچوب این شعار خلاصه کنند و از طرف دیگر نیروهای درون صف خلق هم با کلی تعبیرات و تفسیر های من درآوردی و با سرلوحه قرار دادن این شعار ، جبهه ارتجاع برای تعرض به جنبش توده ها را تقویت می کنند. در حالی که از هر زاویه ای که به این موضوع نگاه کنیم به روشنی می بینیم که طرح شعارهای مشخص و طرح مطالبات واقعی مردم و پخش و ترویج آنها در بین مردم ، نه تنها باعث رشد و پیشروی مبارزات خواهند شد و افق مبارزاتی روشنتری را برای آنها ترسیم میکند ، بلکه دست ارتجاع را برای فریبکاری و نفوذ در صفوف مردم نیز کوتاه خواهد کرد.

در پایان این که : طرح شعارهای شفاف نیاز مبرم جنبش کنونی ماست. شعارهایی که بتوانند باعث پیشروی و ارتقای سطح مبارزات کنونی شوند و راه را برای تحقق این خواسته ها در صورت پیروزی انقلاب هموار سازند. درست ترین شعار و شفاف ترین آنها در رابطه با رفع ستم از زنان همانا شعار آزادی زن ، آزادی جامعه هست ، می باشد. این شعار و پیش درآمد و متکمل آن ، یعنی شعار نان ، کار ، مسکن و آزادی که در برگیرنده خواست انقلابی همه اقشار و طبقات زحمتکش جامعه ، صرف نظر از جنسیت آن ها میباشد ، می بایستی به عنوان

واقعیت این هست که شعار (زن ، زندگی ، آزادی) یک شعار پوپولیستی است که با هیچ تحلیل مارکسیستی نمیتوان آن را توضیح داد ، نه منشاء طبقاتی دارد و نه حتی جنبه برابری طلبانه. شعار نامفهومی است که با هدف همه با هم و در جهت مخدوش ساختن صف خلق و ضد خلق به عنوان شعار محوری به جنبش انقلابی ایران حقه شده است. با این شعار می توان آتش انقلاب ایران را که از زیر فقر و بیکاری و تبعیض و بی خانمانی سر برآورده ، خاموش ساخت و به رفرمیستی ترین شکل آن را نابود کرد. حالا چرا برخی رفقا و جریانات چپ این شعار را در سر لوحه شعارهای خود قرار داده اند جای سوال دارد! این رفقا متوجه نیستند که وقتی شعار نان ، کار ، مسکن و آزادی را به حاشیه می برند ، عملا دست نیروهای راست را برای تعرض به مبارزات انقلابی مردم باز میگذارند.

روست که اصلاح طلبان دیروز طالبان سلطنت امروز شده اند. آنها طالب شعارهای غیر شفاف و از جمله شعار (زن ، زندگی ، آزادی) هستند. چون هدف شان تغییرات در سطح ظاهری حاکمیت و در عین حال حفظ مناسبات سرمایه داری و حفظ سلطه و منافع امپریالیسم می باشد و بس.

اما در مورد زنان مبارزی که خود را کمونیست معرفی می کنند چه باید گفت؟ خوب است توجه این رفقا را به تظاهرات زنان شجاع و آگاه ایران در سال ۵۸ جلب کنیم. فقط نگاهی به شعارهای مطرح شده در آن تظاهرات به ما نشان میدهد که چقدر شعارها پیشرفته و مترقی بودند. وقتی این زنان مبارز در همان بدو روی کار آمدن جمهوری اسلامی مورد سرکوب قرار گرفتند ، برابری زن و مرد را فریاد زدند و با شعارهای " ما انقلاب نکردیم ، تا به عقب برگردیم " ؛ " استبداد از هر نوعش محکوم است " ، " آزادی زن ، آزادی جامعه " به خیابان ها آمدند. می بینیم که مبارزات کنونی زنان و دختران ایران ، چنین تجربیاتی عظیمی را با خود دارد. پس چه نیازی به عاریه گرفتن از شعارهای بورژوا ناسیونالیستی که فقط رفرم را در چشم اندازشان قرار میدهد ، وجود دارد؟

در هر انقلابی ضروری هست که در مراحل مختلف شعارهای مطرح شده بتواند در سطحی خواسته ها و مطالبات مردم را نشان دهد. اگر قبول داشته باشیم که جنبش انقلابی کنونی ، برخاسته از فقر ، بیکاری ، بی خانمانی و دیکتاتوری موجود در جامعه ماست و زندگی در جمهوری اسلامی برای اکثریت مردم مساوی با گرسنگی ، گور خوابی ، بیکاری ، تبعیض و در مورد زنان ستم های گوناگون چه در عرصه قوانین ضد زن و چه در حوزه تبلیغات و جا انداختن فرهنگ زن ستیزی هست، براحته متوجه می شویم

جنگ انقلابی می باشد. اما در مورد رفقای زن که مدعی هستند که به انقلاب اجتماعی اعتقاد دارند که قرار هست مناسبات اقتصادی نظام سرمایه داری را با همه دستگاه های سرکوبش نابود سازد، چرا اینها امروز از همان واژه های "انقلاب زنانه " و (زن ، زندگی ، آزادی) استفاده میکنند؟ چگونه این کار را توجیه میکنند؟ آیا این لگد مال کردن ۵۰ سال مبارزات زنان ایران برای نابودی ستم و تبعیض و استثمار نیست؟ مگر واژه و تعریف واقعی زن ، معنای واقعی زندگی و آزادی به طور هر چه شفاف و روشن توسط چریک فدایی خلق غزال آیتی تعریف نشده که بیش از ۵۰ سال پیش در شرایط دیکتاتوری نظام پهلوی در شعری به نام "افتخار" سرود :

من یک زن ام

زنی که مترادف مفهوم اش در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود شما وجود ندارد

من زنی آزاده ام ، زنی که از آغاز ، پا به پای رفیق و برادرم دشت ها را در نور دیده است

زنی که پرورده است باروی نیرومند کارگر ، دستان نیرومند برزگر...

آیا از این واضح تر میشد نقش و ارزش اجتماعی زن بودن را نشان داد؟ رفیق غزال با اعتقاد به برابری زن و مرد و ضرورت انقلاب برای رهایی زنان و مردان تحت ستم ایران ، جان خود را برای این منظور ایثار نمود. یادش گرامی!

احتمالا حامیان شعار (زن ، زندگی ، آزادی) خواهند گفت که استنباط آنها از این شعار فرق میکند ، که دقیقا یکی از نقاط مهم ضعف و ایراد این شعار در همین است که هر کس میتواند برداشت و تعبیر خود را داشته باشد ، حتی ارتجاع حاکم. به همین خاطر هم این شعار فقط به توهمات دامن می زند. ببینید تکلیف ما با جریانات شاه الهی و پرو امپریالیسم روشن هست و خیلی نیازی به توضیح نیست که استفاده از واژه "انقلاب زنانه" و (زن ، زندگی ، آزادی) برای آنها ابزاری هست برای جلوگیری از رشد و ارتقای این جنبش در جهت نابودی کلیت نظام سرمایه داری در ایران، چون خوب آگاه هستند که اکثریت جامعه ایران را طبقه کارگر و زحمتکش و خانواده های آنان تشکیل میدهند و اگر مبارزات مردم در ایران به نحوی پیش رود که ریشه های نظم اقتصادی حاکم را نابود کند و انقلاب در جهت نابودی مناسبات ظالمانه اقتصادی موجود پیشروی کند ، اساسا جایی برای این جریانات ارتجاعی باقی نخواهد گذاشت و حتی اگر در مرحله نخست به کمک امپریالیست ها به قدرت هم برسند، نخواهند توانست جلوی مبارزات مردم برای رسیدن به آزادی و برابری واقعی را بگیرند. از همین روست که از همین حالا رضا پهلوی ، شفاف به جلالان حاکم می گوید که ما با همین ارتش ، با همین بسیج و با همین سپاه امنیت را برقرار خواهیم کرد. از همین

های جنسیتی در زمان شاه منجر به گسترش آنها در جمهوری اسلامی هم شد.

یک عده ای ادعا می کنند که وضعیت زنان در زمان شاه رضایت بخش بود. اما واقعیت این است که به صرف اینکه در زمان شاه حجاب اجباری وجود نداشت و یا زنان مثل امروز مورد حمله آشکار قرار نداشتند، دلیلی برای آزاد و برابر بودن زنان با مردها در آن زمان نیست. به عنوان مثال، قوانین خانواده شباهت بسیاری به قوانین مذهبی فعلی داشتند. به عنوان مثال، قانون حضانت فرزندان در اساس یک قانون اسلامی است و همین قانون در زمان شاه هم به شیوه اسلامی وجود داشت و معیار بسیاری از قوانین این بود که مرد رئیس خانواده و نان آور خانواده است و در پرتو تسلط این فرهنگ در جامعه بود که به عنوان مثال، میانگین دستمزد زنان کمتر از مردها بود. یا با اینکه در آن زمان (زمان شاه) بسیاری از زنان شاغل بودند ولی وظیفه نگهداری از کودکان و کارهای دیگری نیز به عنوان کارهای زنانه به عهده آنها گذاشته شده بود، چون در زمان شاه هم امکانات و تسهیلات لازم در این رابطه وجود نداشت، در نتیجه زن ها وقت آزاد کمتری نسبت به مردان داشتند و برایشان دشوار بود که به پیشرفت های شخصی اشان بپردازند. مثل تحصیل، کار و غیره. همچنین در دوره شاه به دلیل گسترده بودن فقر، امکان تحصیل و کار برای بسیاری از زنان وجود نداشت. دخترها برای فرار از فقر، تن به ازدواج های اجباری می دادند و در نتیجه از تحصیل و رشد فکری، کار و استقلال محروم می شدند. اساساً بسیاری از زنان از امکان تحصیل و کار بی بهره بودند. البته در زمان شاه هم مانند حالا برابری زن و مرد حتی در سطح رسمی وجود نداشت. چون دیکتاتوری شدیداً فهرامیز بر کل جامعه سلطه داشت و بخش بزرگی از جامعه با فقر و بدبختی های ناشی از فقر دست به گریبان بودند، پس جامعه آزاد نبود و در نتیجه زنان هم آزاد نبودند. اشاعه فرهنگ مردسالاری در دوره شاه به حدی بود که حتی در فیلم هایی که از شاه و زنش منتشر شده می بینیم که حتی در جلوی دوربین نمی توانند اعتقاد خودشان را به نظرات و کلیشه های ضد زن پنهان نکنند.

حال، بیاید در یک حدی هم نگاهی بیندازیم به موقعیت زنان در کشورهای سرمایه داری غرب تا ببینیم آزادی زن ها در این جوامع در چه حدی است. خب مسلم است که در این جوامع پیشرفت های چشمگیری در موقعیت اجتماعی زنان صورت گرفته است و زنان در مقایسه با ایران و کشورهای مشابه از آزادی بیشتری برخوردار هستند. با این حال زنان در این جوامع نیز هنوز تحت ستم قرار دارند. چون جوامع سرمایه داری در کل برابری زن و مرد را فقط تا آنجا برآورده می کنند که هیچ تهدیدی علیه سود و

آزادی زن. معیار آزادی جامعه است!

متن سخنرانی رفیق سهیلا در مراسم یادمان ۸ مارس، روز جهانی زنان کارگر و زحمتکش در کلاب هاوس، مورخ ۱۱ مارس ۲۰۲۳



زن در آن جامعه است، می بینیم که ستم بر زنان به معنی عدم دستیابی نیمی از جامعه به پتانسیل ها و توانایی و ارزش های انسانی اش است و نیمه دیگر جامعه نیز تحت تاثیر نابرابری و ظلم وارد شده بر زنان از فقدان رفاه و آزادی کامل اجتماعی رنج خواهد برد. اساساً فقدان امکانات و شرایط لازم برای پیشرفت های فردی و اجتماعی زنان، منجر به سقوط جامعه می شود. برعکس رهایی زنان نه تنها رهایی از ستم جنسیتی است، بلکه شاخصی از رشد انسانیت در جامعه (یعنی شاخصی از رشد مدنیت در جامعه) و پیروزی انسانیت بر بربریت هم هست. آزادی زنان در یک جامعه نشان می دهد که رفتار افراد آن جامعه تا چه اندازه با ذات و طبیعت و جوهر انسانی در انطباق قرار دارد.

در جامعه ایران، چه در دوره شاه و چه اکنون در جمهوری اسلامی، آزاد نبودن زنان و عدم برخورداری آنها از رفاه عمومی و حقوق برابر با مردان، کاملاً در پیوند با حاکمیت دیکتاتوری شدید در جامعه بود و هست. در زمان حکومت پهلوی نیز مانند دوران کنونی، زنان از همه نظر تحت ستم قرار داشتند و نه تنها وضعیت زنان در حد شهروند درجه دو بود بلکه دست و پای زنان در زنجیر سنت های ارتجاعی مردسالارانه قرار داشت که رژیم شاه با تقویت روحانیت، مدافع و حافظ آن سنت های ارتجاعی بود. اتفاقاً جمهوری اسلامی همین سنت ها و ستم هایی که در زمان شاه وجود داشت را به صورت قانون در آورد و درواقع زنجیر اسارت را بر دست و پای زنان محکمتر کرد. به واقع، فرهنگ مردسالاری و کلیشه های جنسیتی علیه زنان در زمان شاه هم رایج بود و هیچ وقت هم زیر سوال نرفتند و درواقع پذیرش و بازتولید فرهنگ مردسالاری و کلیشه

با درود؛ و با گرامیداشت یاد همه شهدای راه آزادی؛ به شما دوستان و رفقا درود میگم و روز جهانی زن را به شما و همه زنان آگاه و مبارز که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نابودی سیستم سرمایه داری وابسته در ایران مبارزه می کنند تبریک میگم. دوستان و رفقا؛ صحبت هایم را با یاد زنان و مردان جوان، شجاع و آگاه ایران آغاز می کنم که امسال برای رهایی از ستم های سرمایه داری حاکم بر ایران دست به یک نبرد جانانه علیه جمهوری اسلامی که حافظ این نظام است، زدند.

وقتی به تاریخچه روز جهانی زن رجوع کنیم می بینیم که این روز، هم با مبارزه زنان کارگر تحت ستم پیوند خورده و هم با مبارزات زنان کمونیست مدافع طبقه کارگر و مدافع زنان طبقه کارگر. یادآوری این موضوع هم مهم است که بدانیم که در هشت مارس سال ۱۹۱۷ زنان کارگر پترزبورگ آغازگر انقلاب فوری در روسیه شدند. بر این مینا است که میتونیم بگیم که ۸ مارس نه فقط یک روز خاص برای زنان تحت ستم در جوامع طبقاتیه، بلکه یک روز تاریخی و مبارزاتی برای زنان و مردان طبقه کارگر و متحدینشان هم هست. و امروز سخنرانی من هم بیشتر به این موضوع ربط دارد.

عنوان این سخنرانی «آزادی زن، معیار آزادی جامعه» است. این سخن را اولین بار «شارل فووریه» یکی از سوسیالیست های تخیلی فرانسه مطرح کرد و مارکس و انگلس با تأیید این سخن نشان دادند که آزادی واقعی زنان فقط در یک جامعه کمونیستی امکان پذیر است. یعنی جامعه ای که طبقه استثمارگر و مالکیت خصوصی در آن وجود ندارد.

حال اگر به بررسی این موضوع بپردازیم که، آن معیاری که با آن می شود آزادی یک جامعه را سنجید؛ در واقع میزان آزادی

ندارد و به همین خاطر زنان از آزادی های زیادی برخوردار می شوند. به این موضوع هم اشاره کنم که اگر هدف از اشتغال زنان، آزادی و برابری آنها با مردها باشد. باید مهدکودک رایگان و حقوق بیکاری دوران زایمان و امکاناتی از این قبیل تامین شود و بار کار خانگی و نگهداری از کودکان و دیگر امور خانواده از دوش زنان شاعل برداشته شود. اما می بینیم که این امر در سیستم سرمایه داری انجام نمی شود. در حالی که در دورانی که سوسیالیسم در کشورهای مانند شوروی و چین وجود داشت (و حتی در کوبا که توانست یک انقلاب پیروزمند را علیه سرمایه داری پیش ببرد) این شرایط عادلانه برای زنان مهیا شدند. در اینجا هم می بینیم که آزادی زن معیار آزادی جامعه است. یعنی می بینیم که در جوامع سوسیالیستی درجه آزادی و پیشرفت انسانیت نسبت به جوامع سرمایه داری بسیار بیشتر است. در آن جوامع انسانیت بر بربریت پیروز شده، اما در جوامع سرمایه داری بربریت هنوز زیر نقاب تمدن حکومت می کند.

این را هم بگویم که جای خوشحالی است که در سال های اخیر، شور و شوق جدیدی برای سوسیالیسم و مبارزه ضدسرمایه داری در جهان ایجاد شده است و بسیاری از زنان آگاه می دانند که رهایی کامل آنان با سیستم سرمایه داری ناسازگار است. در جامعه سرمایه داری وابسته در ایران (که ذاتا رونیای سیاسی اش دیکتاتوری شدیداً فهرامیز است و کوچکترین دموکراسی را هم تحمل نمی کند) این موضوع بیشتر عیان است. در همین رابطه است که می گوئیم مبارزه طبقاتی علیه سیستم سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم جدائی ناپذیر می باشد. البته این توضیحاتی که داده شد به این معنا نیست که باید برای رفع ستم از زنان، صبر کنیم تا سوسیالیسم برقرار شود و همه چیز را حل کند و یا به این معنا نیست که هرگونه تمرکز بر مسائل زنان و مبارزه برای رفع ستم از زنان به عنوان انحراف از مبارزه اصلی تلقی شود. برعکس مبارزه برای آزادی زنان (مانند مبارزه برای همه ی خواسته های دموکراتیک جامعه) بخشی از مبارزه برای سوسیالیسم است و مبارزه برای نابودی سرمایه داری و برقرار کردن سوسیالیسم نیز با هدف ایجاد شرایط لازم برای دستیابی به خواسته های دموکراتیک همه گروه های اجتماعی و از جمله برابری حقوق زن و مرد است. در نتیجه میتوان گفت که مبارزه زنان برای دستمزد برابر، برای مهدکودک رایگان، برای اجتماعی کردن همه ی جنبه های کار خانگی، برای دریافت دستمزد و حقوق دوران بارداری و مبارزه برای سایر مسائل مهم زنان، اگر چه در نهایت نگاهش به سوسیالیسم است، مبارزات برحق است که زنان تحت ستم حول آنها متحد شده و برای دستیابی به این حقوق

سنجید. یعنی هر چقدر که استثمار زنان کارگر (و کل طبقه کارگر) بیشتر باشد، آزادی جامعه (و آزادی زن در آن جامعه) کمتر است. اساساً سیستم سرمایه داری از زمان شکل گیری خود، طی فرآیند انباشت سرمایه که مبتنی بر غارت نابودکننده طبیعت و استثمار انسان است، نابرابری طبقاتی و جنسیتی و نژادی و غیره را ایجاد کرده.

من دیگر در مورد شرایط کار و زندگی زنان ایران در شرایط کنونی که جامعه ایران تحت سلطه امپریالیست ها قرار دارد و اسیر دست یک رژیم مذهبی است، صحبت نمی کنم. چون شدت و گستردگی اسارت زنان ایران که با قوانین و فرهنگ ارتجاعی اسلام توجیه می شود، در این جامعه دیکتاتورزده آنقدر عیان است که به قول معروف، چه حاجت به بیان است. فقط باید تأکید کنم که ظلم و ستم وحشیانه ای که اکنون در سطح جهان امپریالیستی به خصوص در کشورهای تحت سلطه ای مثل ایران بر زنان وارد می شود، در حالی که در کل ناشی از طبقاتی بودن این جوامع است، به طور مشخص حاصل گنبدگی سیستم جهانی سرمایه داری است، سیستمی که بیش از چهار قرن از تاریخ به وجود آمدن آن می گذرد. بی دلیل نیست که امروز دولت های غربی تا آنجا که توانسته اند آزادی زنان را محدود کرده اند. می بینیم که زنان در غرب نیز در حال از دست دادن بخشی از دستاوردهای مبارزات گذشته خود هستند. به عنوان مثال در برخی از ایالت های آمریکا سقط جنین محدود شده و دولت های برخی از ایالت ها در تلاش هستند که سقط جنین را بیشتر هم محدود کنند.

اگر به تاریخ و منشاء ستم بر زن رجوع کنیم، می بینیم که اساساً رشد مردسالاری و زن ستیزی و هر نوع تبعیض دیگری علیه زنان با ظهور جوامع طبقاتی و کاهش نقش زنان در تولید و اقتصاد شروع شد. در سیستم سرمایه داری هم، ستم بر زن نه تنها از بین نرفته بلکه اشکال جدیدتری به خود گرفته است. با تکیه بر این واقعیت در مورد ایران باید گفت که زنان ایران برای دستیابی به آزادی و برابری کامل، باید برای دستیابی به انقلاب اجتماعی پیروزمند و سرنگونی سیستم طبقاتی مبارزه کنند و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را با مبارزه برای نابودی سیستم سرمایه داری در ایران پیوند بزنند. زیرا می دانیم که هیچ ظلم و ستمی از جمله ستم جنسیتی در طول عمر سیستم سرمایه داری ناپود نشده است. در حالی که در کشورهای که جوامع سوسیالیستی به وجود آمدند، حتی در مدت کوتاهی هم که بوده، زنان تا حد بسیار عمیق تر و گسترده تر از جوامع سرمایه داری به آزادی دست یافتند و از برابری با مردان برخوردار شدند. در جامعه سوسیالیستی طبقه استثمارگر سلطه

انباشت سرمایه و قدرت طبقه حاکم ایجاد نکند. بر این اساس، تلاش برای آزادی و برابری زنان در چهارچوب جامعه سرمایه داری تا یک حد معینی به مقصود می رسد. می بینیم که در اکثر کشورهای متمدن غرب همه نوع قانون خوب و متمدنی به نفع زنان روی کاغذ و در قوانین اساسی نوشته شده. اما همه این قوانین الزاماً در عمل اجرا نمی شوند و صرف اعلام برابری زن و مرد در قوانین به معنای برابری واقعی زن و مرد در این جوامع نیست. به عنوان مثال، برای خیلی از مشاغل، زن ها را استخدام نمی کنند و عملاً مردها در بازار کار در رابطه با بسیاری از مشاغل در صف مقدم و در موقعیت برتری قرار دارند و یا به دلیل فقدان برخی تسهیلات به صورت رایگان از جمله مهد کودک و غیره، بسیاری از زنان طبقات پائین جامعه عملاً مجبور به خانه نشینی می شوند. برای اینکه زن ها بتوانند با مردان برابر باشند باید همه امکانات رشد و ترقی در همه زمینه ها را برابر با مردها داشته باشند تا بتوانند نقش ها و مسئولیت های برابر اجتماعی داشته باشند. یعنی باید شرایطی وجود داشته باشد که زنان بتوانند در همه امور جامعه به طور کامل مشارکت بکنند و از این طریق آزادی و برابری واقعی زن و مرد تضمین بشود. اما دستیابی به چنین آزادی برای زنان حتی در جوامع سرمایه داری غرب که جوامع طبقاتی هستند، ممکن نیست. به عنوان مثال می دانیم که در این جوامع ظاهراً برابری زن و مرد در محل کار رعایت می شود و زنان حتی در نقش های مدیریت و مشاغل بالا هم هستند. اما اگر خوب توجه کنیم می بینیم که نقش زنان در مشاغل بالای سیاسی و اقتصادی برای حفظ همین سیستم سرمایه داری است و آنها در این سیستم علیه طبقات فرودست جامعه (که بخشی از آنها زنان هستند) ایفای نقش می کنند. یعنی نقش بالای زن ها در مشاغل بالای سیاسی و اقتصادی درواقع ستم بر فرودستان جامعه (به خصوص زنان فرودست جامعه) است. به عنوان مثال، یکی از فروشگاه های زنجیره ای مولتی میلیارد در آمریکای شمالی) یک زن است (یعنی یک خانواده و خواهر و برادر هستند) و همه می گویند به! به! ببینید که سیستم سرمایه داری چگونه به یک زن هم امکان داده که به این سطح از موفقیت و ثروت برسد! اما نقش او در به انقیاد کشیدن زن های دیگر پنهان می شود. می دانیم که ثروت او از طریق بهره کشی از کارگران فوق ارزان (که اتفاقاً اکثر کارگران وال مارت زن هستند) به دست آمده است. پس خیلی باید سطحی بود که سرمایه دار بودن یک زن در این جوامع را به معنی آزادی زنان تلقی کرد. واقعیت مهمی که باید به آن توجه کرد این است که استثمار زنان کارگر منجر به استثمار کل خانواده کارگری می شود. بر این اساس هم میتوان معیار آزادی جامعه و آزادی زن را در این کشورها

رسیده که زنان و مردان نسل جوان انقلابی تئوری انقلابی موجود که راه انقلاب در ایران را نشان می دهد را به کار بگیرند و سعی کنند که مسائل جامعه را به طور عینی بشناسند و بررسی کنند و همه ابزارهای سیاسی و اجتماعی خود را تیز کنند تا راه از میان برداشتن موانع انقلاب را بیابند.

رفقا، اجازه بدهید در اینجا سخنانم را جمع بندی کنم. امیدوارم خسته نشده باشید و برای جمع بندی، باید بگم که ستم بر زن و تحقیر زن، ویژگی اساسی فرهنگ طبقاتی است. هم در دوران بربریت اینطور بود و هم در دوران تمدن سرمایه داری اینطور است. ستم بر زن، ویژگی فرهنگی همه سیستم های طبقاتی است. تنها تفاوت این است که نظام متمدن، هر ستم وحشیانه ای را که بربریت به شکلی عریان انجام می دهد، به اشکالی پیچیده و مبهم و ریاکارانه تبدیل می کند.

همیشه در طول تاریخ، بارها ثابت شده است که آزادی جامعه در گرو آزادی زنان و آزادی زنان در گرو آزادی کل جامعه است. و طبقه کارگر و بخصوص زنان طبقه کارگر نیروهایی هستند که بنابر جبر تاریخ می توانند جهان را تغییر دهند. این درواقع، مأموریت تاریخی پرولتاریا (طبقه کارگر آگاه) است. در جامعه ما، در کشوری با زیربنای سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و روبنای دیکتاتوری شدیداً فهرامیز، اتحاد زنان و مردان طبقه کارگر با دیگر نیروهای اجتماعی تحت ستم ضامن پیروزی انقلاب است. نسل جوان انقلابی باید با درس گیری از شکست انقلاب ۵۷، بکوشد که توطئه و آلترناتیوسازی های امپریالیست ها را خنثی کند. آزاد شدن زنان به دست خودشان در جامعه سوسیالیستی خواهد بود که خود زنان آگاه برای ایجاد جامعه سوسیالیستی انقلاب خواهند کرد. این خلاصه بحث من بود. اما بی شک لازم است که این بحث با کمک شما عزیزان عمق بیشتری پیدا کند که امیدوارم در بخش پرسش و پاسخ صورت بگیرد.

ممنون از همه شما. پیروز باشید.

مبارزه طبقاتی نیاز است، مبارزه ای که با آگاهی و مشارکت کامل همه جنبش های اجتماعی-انقلابی همراه باشد.

حال بیایید روی این موضوع متمرکز بشویم که ابزارهایی که زنان (و مردها) برای پیروزی انقلابشان (یعنی برای تغییرات عمیق اجتماعی) نیاز دارند چه چیزهایی هستند؟ مسلماً انجام یک انقلاب پیروزمند به نقشه کار و ایده و برنامه نیاز دارد. اما چه نوع ایده ای؟ مسلماً در ایران کنونی این ایده در اذهان بخش بزرگی از جامعه وجود دارد که نظام موجود، زندگی و معیشت را نابود کرده به همه جوانب زندگی انسانی توده های مردم تجاوز کرده. حتی محیط زیست را از بین برده و این نظام قابل اصلاح نیست و باید از بین برود. در همان حال این نیز آشکار شده است که این نظام را بدون انقلاب نمیتوان نابود کرد. پس این ایده های درست و لازم برای انقلاب در جامعه وجود دارند. اما می دانیم که مبارزه انقلابی جاری توده های مردم تا رسیدن به پیروزی قطعی خیلی فاصله دارند. دلیل این امر برخلاف تصور برخی ها آن نیست که طبقه کارگر و توده های مردم دانش کافی برای نقد سیستم سرمایه داری و آگاهی کامل برای درک ضرورت انقلاب ندارند و یا نمی دانند که انقلاب از نظر جان انسان بسیار پرهزینه است و یا توده ها حاضر به فداکاری انقلابی نیستند. کارگران و زحمتکشان آگاه به خوبی می دانند که زمان برای آنها، زمان آتش پس و صلح طبقاتی نیست، زمان انقلاب است و جنگ علیه طبقه حاکم و اربابان امپریالیستش. ما دیدیم که در طی چهل و چهار سال گذشته چقدر زن و مرد و پیر و جوان جانانشان را کف دست گذاشته و به جنگ نابرابر با عمال سراپا مسلح رژیم رفتند. اما آگاهی بر ظلم و ستم رژیم و نقد توضیحی نظام کافی نیست. تئوری انقلاب در انطباق با شرایط جامعه ایران وجود دارد. بسیاری در میان نسل جوان انقلابی با تئوری «مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک» آشنا هستند. چیزی که کمبودش در جامعه وجود دارد، شناخت کامل موانع انقلاب و راه رفع آن موانع است. در شرایط کنونی ایران، زمان آن

دموکراتیک مبارزه می کنند. تأکید بکنم که رهایی کامل سیاسی و اجتماعی زنان به پیروزی انقلاب سوسیالیستی بستگی دارد و همچنین سوسیالیسم نمی تواند به دست آید مگر اینکه جزئی از مبارزات سازمان یافته زنان برای رسیدن به آزادی و برابری واقعی باشد.

این را هم می دانیم که زنان آگاه و انقلابی (از زمان کمون پاریس تا کنون) همیشه نقش مهمی در جنبش های انقلابی داشته و دارند. جنبش زنان انقلابی ایران نیز طی چهل و چهار سال گذشته فراز و نشیب های مبارزاتی زیادی را به خود دیده، اما همچنان محکم و پابرجا باقی مانده و بر اساس شرایط متغیر شده و گسترش یافته، تاریخ انقلاب ها به ما نشان می دهد که هر انقلاب پیروزمند با شرکت زنان صورت می گیرد. موقعیت زنان کارگر و دیگر زحمتکشان تحت ستم در ایران و مبارزه آنان برای رهایی هم به گویاترین وجهی نشان می دهد که آنها تنها در پرتو یک انقلاب اجتماعی می توانند از ظلم و ستم های موجود رها بشوند، و وضعیت دردناکشان بدون تغییرات اساسی و ریشه ای در کل جامعه (یعنی بدون یک انقلاب پیروزمند) بهبود نخواهد یافت. از این واقعیت چه نتیجه ای باید گرفت؟ از این واقعیت نتیجه می گیریم که مبارزه واقعی برای آزادی زنان از طریق پیوند دادن مسئله زنان به سایر نابرابری ها و ظلم و ستم ها (ستم های گوناگون امپریالیستی، ستم بر طبقه کارگر، ستم ملی، نژادپرستی و ...) امکان پذیر است. به همین دلیل است که مبارزه با سرمایه داری اشکال مختلفی از مبارزه (از جمله مبارزه برای برابری کامل زن و مرد) را به خود می گیرد.

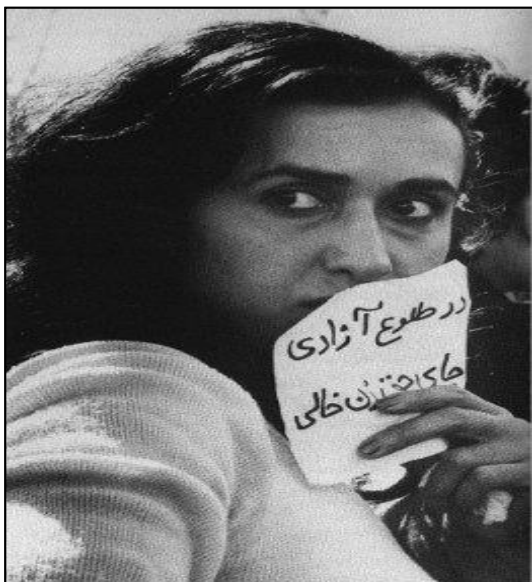
اتفاقاً، روز به روز تعداد بیشتری از مردم به این آگاهی می رسند که جنبش های اجتماعی مختلف به هم مرتبط هستند و برای مقابله با نابرابری ها و ستم های موجود (که اکثریت قریب به اتفاق افراد جامعه را در بر می گیرند) باید سیستم سرمایه داری را از طریق یک انقلاب پیروزمند نابود کرد. روز به روز تعداد بیشتری از مردم به این آگاهی رسیده اند. برای رسیدن به این هدف به یک

جنبش زنان به شعارهای شفاف نیاز دارد... از صفحه ۱۰

سرلوحه جنبش، ترویج و تبلیغ شوند.

واضح است که در ایران، مسیر رسیدن به جامعه ای که در آن روابط ناعادلانه سرمایه داری در هم شکسته شده است و در آن زنان و مردان از حق مساوی ای برخوردار هستند، در درجه اول، تنها با سرنگونی انقلابی رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی، به دست پرتوان کارگران و زحمتکشان امکان پذیر خواهد شد.

کمونیست ها و تمام کسانی که واقعا خواهان رهایی زنان از ستم های بیشمار هستند، باید این امر که معیار آزادی یک جامعه با آزادی زن در آن جامعه سنجیده می شود را به میان مردم ببرند و با تبلیغ و اشاعه چنین شعار هائی و تأکید بر برابری زن و مرد، خواستار مبارزه مشترک و دوش به دوش زنان و مردان در کنار هم برای ریشه کن کردن هر نوع ستمی باشند که مانع از آزادی آحاد جامعه و در نتیجه آزادی زن می شود.



انقلاب جاری در ایران نه یک انقلاب زنانه، بلکه انقلابی ست اجتماعی!

متن سخنرانی رفیق خورشید در مراسم یادمان ۸ مارس، روز جهانی زنان کارگر و زحمتکش در کلاب هاوس، مورخ ۱۱ مارس ۲۰۲۲



تهران، بهمن ۵۷

را برای اکثریت افراد جامعه به وجود آورده است. کارگران و زحمتکشان، تحت ستم و استثمار وحشیانه قرار دارند. حتی اقشاری از مردم که به قول معروف دستشان به دهانشان می‌رسد، با انواع ستم‌ها و سرکوب‌ها مواجه هستند. همه این مردم به خاطر ظلم و ستم‌هایی که به آنها می‌شود، به خاطر سرکوب و حاکمیت دیکتاتوری در جامعه به پا خاسته و دست به انقلاب زده‌اند. بنابراین انقلاب آنها زنانه نیست بلکه یک انقلاب اجتماعی است. چون زنان و مردان جامعه برای از بین بردن سیستم سرمایه‌داری در ایران و دگرگون کردن کل بنیادهایی که باعث به وجود آمدن شرایط زندگی غیرقابل تحمل برای آنها شده، به پا خاسته‌اند. درست است که در این شرایط زنان و به خصوص زنان کارگر و زحمتکش با ستم مضاعف هم روبرو هستند ولی همانطور که شاهدیم زنان شجاع ایران دوشادوش مردان مبارز، علیه جمهوری اسلامی می‌جنگند تا کل شرایط ظالمانه کنونی را از بین ببرند. آنها حتی به صورت ناخودآگاه هم باشند، می‌دانند که رهایی زنان از ستم مضاعف، به سرنگونی این رژیم و دگرگون کردن بنیاد شرایط کنونی وابسته است که آن هم با نابودی سیستم سرمایه‌داری حاکم به دست می‌آید.

همانطور که می‌دانیم در سال‌های گذشته و بویژه در سال ۹۸، توده‌های جان به لب رسیده از ظلم و ستم و نابرابری با شعار نان، کار، آزادی به خیابان‌ها آمدند. و همانطور که باز می‌دانیم خیزش آبان ۹۸ به نام خیزش گرسنگان نام گرفت. این شعار که شکل تکمیل شده آن: نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال است، اصلی‌ترین، بدیهی‌ترین و عمیق‌ترین مطالبات توده‌های تحت ستم یعنی کارگران و زحمتکشان را در بر می‌گیرد. در حالی که شعارهایی که حول محور فقط زنان می‌گردند، تنها خواسته‌ها و مطالبات نیمی از افراد جامعه را در بر می‌گیرد.

واضح است که توجه به تنها نیمی از افراد جامعه و نادیده گرفتن بقیه افرادی که در آن جامعه با فقر و ستم و تبعیض و ناملایمات توسط سرمایه‌داران و رژیم مدافع‌شان روبرو هستند، انحراف مسیر انقلاب و به هز بریدن انرژی مبارزاتی مردم شجاع ایران است که برای مبارزه با رژیم تبهکار جمهوری اسلامی جان خود را در دست گرفته‌اند و با دست خالی در برابر جوخه‌های مسلح رژیم، ایستاده‌اند.

به دنبال زنانه خواندن انقلاب ایران، شاهد رواج شعار (زن، زندگی، آزادی) هم بودیم که به ظاهر برای حمایت از زنان است. اما این شعار در باطن یک شعار انحرافی و

انجامید. اما دیری نگذشت که دوباره این فرمان با "اسلامی سازی ادارات" احیا شد و اجازه ورود زنان بی حجاب به محل کارشان داده نشد. از طرف دیگر پاسداران و حامیان نظام جمهوری اسلامی در خیابان‌ها به راه افتادند و زنان بی حجاب را با چسباندن پونز به پیشانی آنها و تیغ کشیدن بر لب‌هایشان و با آزار و اذیت‌های دیگر مورد حمله قرار دادند. البته دست اندرکاران جمهوری اسلامی، رژیمی که ماحصل توافق امپریالیست‌ها در گوادلوپ است، به این اعمال وحشیانه هم بسنده نکردند و مجازات‌هایی از جمله تنبیه بدنی و شلاق و امثال آن را برای عدم رعایت حجاب برای زنان در قانون در نظر گرفتند که در آن زمان توسط کمیته انقلاب اسلامی و بعدها گشت ارشاد اجرا شد که می‌دانیم تا به همین امروز هم ادامه دارد.

قابل انکار نیست که سرکوب زنان در رژیم جمهوری اسلامی شدت هر چه بیشتری به خود گرفته است. اما همه می‌دانیم که نابرابری و تبعیض علیه زنان در رژیم شاه نیز وجود داشت، و می‌دانیم که در آن زمان نیز زنان دوشادوش مردان برای از بین بردن ظلم و فساد و دیکتاتوری و از بین رفتن هرگونه ستم بر زن، مبارزه می‌کردند. با اذعان به این واقعیت که رژیم فعلی زنجیر اسارت بر دست و پای زنان را محکم‌تر کرده است، اما بسیار خطاست که مبارزات زنان در رژیم جمهوری اسلامی صرفاً به مبارزه برای لغو حجاب اجباری تقلیل پیدا کند، و به دنبال آن جنبش انقلابی کنونی که مردان و زنان دوش به دوش هم برای دگرگون کردن شرایط زندگی بسیار ناگوارشان برپا کرده‌اند، انقلاب زنانه خوانده شود.

امروز، سیستم سرمایه‌داری که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و حامیان سرکوبگرش مدافع آن هستند، شرایط بسیار وحشتناکی

مردم ایران سال‌هاست که علیه ظلم و فساد و دیکتاتوری حاکم مبارزه می‌کنند. از بدو به قدرت رسیدن خمینی تبهکار که پس از کنفرانس گوادالوپ و توسط سران کشورهای امپریالیستی به روی کار آورده شد، تا به امروز که ۴۴ سال از آن زمان می‌گذرد روزی نبوده که خلق‌های ایران به شرایط و وضع حاکم اعتراض نکرده باشند و علیه این وضع دست به مبارزه زده باشند. در این میان زنان همواره دوشادوش مردان در این مبارزات شرکت کرده‌اند و در همان حال برای تحقق خواست‌های بر حق خود هرگز لحظه‌ای آرام ننشسته‌اند.

دفتر خمینی درست دو هفته پس از به قدرت رسیدن، اعلام نمود که زنان موظف به داشتن حجاب اسلامی هستند. همچنین یک روز پیش از روز جهانی زن یعنی در ۱۶ اسفند سال ۵۷، خمینی در مدرسه رفاه سخنرانی کرد و همانجا اعلام نمود که: زنان کارمند برای حفظ آبروی خودشان باید حجاب را رعایت کنند. درست بعد از این صحبت، زنان کارمند بدون حجاب، اجازه ورود به محل کارشان را نیافتند. در اعتراض به این امر، تعداد زیادی از زنان کارمند از رفتن به کار سر باز زدند. حدود ۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰ زن در دانشگاه تهران تجمع کرده و شعار دادند "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم!". همچنین تعداد زیادی از دانش آموزان مدرسه‌های دخترانه به تظاهرات زنان در تهران پیوستند. فردای آن روز یعنی در روز هشت مارس همان سال ۵۷، بزرگداشت روز جهانی زن به راهپیمایی زنان برای اعتراض به نادیده گرفتن حقوق زنان و از جمله حجاب اجباری منجر شد. هزاران زن معترض و مبارز، این اعتراضات را به مدت ۶ روز ادامه دادند که در نهایت به لغو موقت فرمان حجاب اجباری

نمایندگان دولت‌های غربی و همه مرتجعین و طرفداران سیستم سرمایه‌داری جهانی، در پشت شعار زن زندگی آزادی و زنانه جلوه دادن انقلاب ایران قرار گرفتند. آنها نشست‌ها و قراردادهای و دیدارهایشان با نمایندگان فاسد این رژیم جنایتکار را پیش می‌برند و در واقع این مساله خود هرچه بیشتر ماهیت پلید آنها و قدرت‌های جهانی را برای همه روشن و آشکار می‌سازد.

اگر بخواهم کوتاه در مورد عدم حمایت دول خارجی و سیاستمداران آنها از جنبش‌های قبلی بگویم، به طور خلاصه میتوان به نوع مطالبات و خواست‌های مردم در آن جنبش‌ها که در واقع مشکلات اقتصادی بود، اشاره کرد. اصلی‌ترین مشکلی که اگر قرار باشد دولت‌های غربی و قدرت‌های جهانی حتی به ظاهر از آن حمایت کنند، نتیجه‌ی آن تیر زدن به پای خودشان است، چراکه با محقق شدن حق و حقوق معیشتی و اقتصادی مردم، منافع خود را از غارت اموال و منابع مالی مردم ایران از دست خواهند داد. به این دلیل است که گفته می‌شود شعار نان مسکن کار آزادی و استقلال در برگرفته‌ی عمده‌ترین خواست‌های مردم از زن و مرد و کوچک و بزرگ است، ولی زنانه خواندن انقلاب جاری تنها خواست نیمی از جامعه که زنان باشند را در بر می‌گیرد که تازه تنها لغو حجاب، مورد نظر است که البته در ابتدای صحبت هم اشاره کردم که برای بخش بزرگی از زنان که دغدغه اصلیشان مسائل اقتصادی‌ست، این موضوع برجستگی ندارد.

در مورد این شعار زن زندگی آزادی من نمی‌خواهم صحبت زیادی داشته باشم، چون می‌دانم این میحث به موضوع بحث رفیق گرامی ما رفیق سارا مربوط می‌شود که ایشان حتماً به تفصیل در این مورد صحبت خواهند کرد. اما می‌خواهم تاکید کنم که این شعار به هیچ عنوان مطالبات اصلی زنان طبقه کارگر و فقیر جامعه را در بر نمی‌گیرد، چرا که همانطور که توضیح دادم در ایران تحت سلطه سیستم سرمایه‌داری، دغدغه اصلی افراد جامعه یعنی زنان و مردان، دستیابی به بدیهی‌ترین حقوق اولیه در آن جامعه یعنی همان نان و کار و مسکن و آزادی‌ست. واقعیت امر این است که زنان امروزه دوشادوش و همپای مردان و حتی در مواقعی جلوتر از آنان در صف اعتراضات به حقوق معوقه و دستمزد متناسب با تورم و حق رتبه‌بندی مشاغل همواره حضور داشته‌اند. حال به فرض اگر قوانین حجاب اجباری، چه در چارچوب جمهوری اسلامی و یا هر رژیم دیگری که همچنان مناسبات سرمایه‌داری را حفظ می‌کند، ملغی شود، ولی مساله "نان و کار و مسکن و آزادی" برای مردم جامعه تامین نگردد و مسائل سیاسی-فرهنگی-اجتماعی حل نشوند، آیا آنوقت شاهد آن نخواهیم بود که زنان

انقلاب در ایران تنها با تغییر و گذار از جمهوری اسلامی اتفاق نخواهد افتاد، واقعیت این است که با توجه به نرخ وحشتناک تورم در ایران و بی ارزش شدن هرچه بیشتر ریال، فشار بیشتر از همه متوجه اکثریت بی‌صاعت و طبقه کارگر و زحمتکشی است که دستمزد اندکی دریافت می‌کنند و فشار حاصل از تورم را با تمام وجود حس می‌کنند. برای همین است که انقلاب در ایران باید با نابودی سیستمی که مسبب تمامی این مشکلات و فشارهاست اتفاق بیفتد. انقلابی که نابود کننده همه مناسبات ارتجاعی و استثمارگرانه و مردسالارانه است که بر زنان و مردان ما تحمیل شده است. این امر تنها با همکاری و همبستگی زنان و مردان به رهبری طبقه کارگر و در یک مبارزه طولانی و با توجه به روینای دیکتاتوری حاکم به صورت مسلحانه و تنها در کف خیابان‌های ایران محقق خواهد شد.

تن به شهادت رسیدند را پوشش ندادند. اما در جنبش انقلابی جاری و با مشاهده‌ی شدت و وسعت اعتراضات، پروژه‌ی آلترناتیوی خود که سال‌هاست با برنامه‌هایی چون "آزادی‌های یواشکی" و "چهارشنبه‌های سفید" آن را در آب نمک خوابانده اند را رو کرده و برای به انحراف کشیدن انقلاب توده‌ها به ظاهر با نمایش‌های مضحک بریدن موی سر پارلمان‌ناریست‌ها و اشک تمساح ریختن برای زنان ایرانی و مبارز، به میدان آوردند تا خواست واقعی و مطالبات اصلی تمام اقشار و طبقات درون جامعه را که همواره و در جنبش‌های قبلی به خاطر آن به میدان آمده بودند را از ریل اصلی خود خارج کنند. پروژه‌ای که توسط یکی از مهره‌های صدارتی رژیم به نام مسیح علینژاد اجرا شد و ما امروز هم در به انحراف بردن مسیر مبارزات مردم کشورمان شاهد حضور و رد این مهره زاده شده از دل جمهوری اسلامی هستیم. هرچند که دست این افراد برای جوانان انقلابی ما رو شده است، چنانکه به عنوان مثال دانشجویان آگاه و هوشیار دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در اردیبهشت ۹۸ در اعتراض به اجرای طرح "حجاب و عفاف" فریاد می‌دند "علینژاد و ارشاد، ارتجاع و انقیاد".

علامت سوال بزرگ این است که چرا در خیزش سراسری و توده‌ای مردم در دی ۹۶ یا مرداد ۹۷ و بزرگتر از آنها یعنی آبان ۹۸، به جز نیروهای چپ و آزادی‌خواه و البته در مواردی جزئی اقلیتی بسیار کوچک از ایرانیان خارج نشین و بی ارتباط با آزادی‌خواهان، کسی به حمایت از مردم داخل برنخاست؟ و یا سیاستمداران خارجی به اعتراض نسبت به نقض آشکار حقوق بشر در ایران به میدان نیامدند ولی اکنون که سعی کرده‌اند مسیر انقلاب را به دلخواه خود تغییر بدهند، به ظاهر خود را حامی آن نشان می‌دهند؟ دیدیم که

توخالی است، به طور برجسته هرکس هر تفسیری از این شعار داشته باشد، نمی‌تواند انکار کند که این شعار، نیمی از جامعه یعنی مردان را دربر نمی‌گیرد و تمامی مردم یک جامعه را شامل نمی‌شود. در حالی که زندگی و آزادی حق مسلم تمامی اقشار و طبقات درون هر جامعه‌ای است. در جامعه‌ای که ما در آن به سر می‌بریم، هم زن زندگی می‌کند و هم مرد؛ در نتیجه مردان هم حق و حقوقی دارند که تحت حاکمیت این نظام ارتجاعی نادیده گرفته می‌شود. از طرف دیگر آیا واژه "زن" و آزادی به تنهایی قادر به نشان دادن مشکلات و خواسته‌های جامعه است؟ یا این که حتی اگر تنها زنان را در نظر بگیریم باز هم این سوال پیش روی ماست که با این شعار و با یک انقلاب صرفاً زنانه کدام خواسته‌ها و مطالبات زنان برطرف می‌شود؟ این سوال را از این جهت مطرح می‌کنم که اگر به سخنان مدافعان این شعار نگاهی بیندازیم و تبلیغات رسانه‌های جریان اصلی و حتی غربی را رصد کنیم، می‌بینیم که تنها مشکل زنان ما را مساله "حجاب" عنوان می‌کنند و به جز حجاب از دیگر مشکلات زن‌ستیزانه‌ای که تحت سلطه رژیم جمهوری اسلامی وجود دارند، سخنی در میان نیست و کمترین اشاره‌ای هم به دیگر ستم‌ها و مشکلات زنان ما نمی‌کنند. اما درست است که حجاب نماد اسارت زن است و باید از میان برداشته شود، ولی با یک نگاه اجمالی به شرایط کار و زندگی اکثریت زنان جامعه می‌توان دریافت که در حال حاضر حجاب دغدغه‌ی اصلی زنان کارگر و زحمتکش که اکثریت زنان تحت ستم جامعه را تشکیل می‌دهند، نیست و اگر پای صحبت آنان بنشینیم، خواهیم دید که آنها در اساس از ضایع شدن حق و حقوق کاری، درآمد پایین و تورم و در واقع دخل و خرج زندگی‌ست که در رنج و عذاب هستند و شکوه می‌کنند. در اینجا هم می‌بینیم که شعار زن زندگی آزادی و صرفاً زنانه جلوه دادن انقلاب جاری تلاشی برای سرپوش گذاشتن به مشکلات و خواسته‌هایی‌ست که موجب خیزش زنان و مردان تحت ستم ایران علیه استثمارگران و رژیم جمهوری اسلامی شده است.

حال این نکته قابل توجه است که خیزش‌های قبلی در ایران که با سرکوبی بسیار شدیدتر هم روبه رو شد، برای قدرت‌های غربی که برای انقلاب مردم گرسنه و تحت ستم ما تره هم خورد نمی‌کنند، بی اهمیت بود و در رسانه‌هایشان هم به آن پرداخته نمی‌شد. به طور مثال آنها حتی سرکوب بیرحمانه و وحشیانه‌ی رژیم در آبان ۹۸، که تازه طبق آمار خودشان بیش از ۱۵۰۰

حجاب چه بی حجاب، پیش به سوی انقلاب.

با توجه به مواردی که گفته شد باز تاکید می کنم که انقلاب در ایران زنانه نیست، بلکه انقلاب یک امر اجتماعیست که با مشارکت و همصدایی زنان و مردان آزادیخواه و برابریطلب به سرانجام خواهد رسید.

انقلاب در ایران تنها با تغییر و گذار از جمهوری اسلامی اتفاق نخواهد افتاد، واقعیت امر این است که با توجه به نرخ وحشتناک تورم در ایران و بی ارزش شدن هرچه بیشتر ریال یعنی پول رسمی کشور، فشار ناشی از آن بیشتر از همه متوجه اکثریت بی بضاعت و طبقه کارگر و زحمتکشی است که در قبال کاری که انجام می دهند، دستمزد اندکی دریافت می کنند و فشار حاصل از تورم را با تمام وجود و جانشان حس می کنند. برای همین است که انقلاب در ایران باید با نابودی سیستمی که مسبب تمامی این مشکلات و فشارهاست اتفاق بیفتد. انقلابی که نابود کننده همه مناسبات ارتجاعی و استثمارگرانه و مردسالارانه ایست که بر زنان و مردان ما تحمیل شده است. این امر تنها با همکاری و همبستگی زنان و مردان به رهبری طبقه کارگر و در یک مبارزه طولانی و با توجه به روبنای دیکتاتوری حاکم به صورت **مسلحانه** و تنها در کف خیابانهای ایران محقق خواهد شد. تنها در این صورت است که زنان نیز به حقوق انسانی خود دست خواهند یافت و به زندگی توام با ارزش معنوی انسانی خود خواهند رسید. با وکالت و کفالت افرادی که خود همگی حافظ و مدافع سیستم سرمایه داری و زندگی طبقاتی توده ها هستند و با شارلاتانیسم سعی در زنانه جلوه دادن این انقلاب و تحقیر توده ها دارند، مردم ما به آزادی و خواسته های خود نخواهند رسید. اینها با نشستن پشت میزهای پارلمانهای کشورهای امپریالیستی و مصاحبه و غیره تنها وعده وعیدهای تو خالی می دهند و خاک بر چشم مردم می پاشند.

سخنمان را با این تأکید به پایان می رسانم که انقلاب جاری در ایران یک انقلاب زنانه نیست اما انقلاب در ایران بدون شرکت زنان هم هیچگاه به پیروزی نخواهد رسید!

سخن پایانی

من می خواهم در این قسمت به مسائلی که باعث انحراف در مبارزات مردم می شوند، اشاره کنم. به عنوان مثال منشورهایی که اخیراً منتشر می شوند، در بطن تمام این منشورها تنها موضوعی که جلوه گیری می کند، مطالبه برای مثلاً بهتر شدن فضا و شرایط جامعه است. اما صادرکننده های چنین منشورهایی این حقیقت را پنهان می کنند که فضا و شرایط جامعه تنها زمانی برای

انقلاب به معنای واقعی یعنی دگروگونی و تغییر همه مناسبات بنیادینی که با آن استثمار و ستم به انسان ها پایان پذیرد، انقلاب یعنی پایان نظام دیکتاتوری سرمایه داری که با فشار دادن گلو کارگران و زحمتکشان، حافظ و مدافع نظامی است که حقوق اولیه انسان ها را فدای حفظ منافع اقلیتی سرمایه دار می کند. واقعیت این است که توده های آگاه و مبارز ما در داخل کشور دریافته اند که انقلاب به معنای ایجاد دگروگونی عمیق در همه موارد و مسائل جامعه است و این موضوع تنها به مساله زنان و یا حجاب، قابل تقلیل نیست. درست پس از آنکه توسط عده ای معلوم الحال تلاش شد تا این انقلاب را حول مساله آزادی پوشش برای زنان جا بزنند، توده های آگاه و مبارز ما در داخل کشور به درستی شعار می دانند: چه با حجاب چه بی حجاب، پیش به سوی انقلاب.

گذرنامه و مسافرت بدون اجازه پدر و همسر، حق ارث برابر، حق کفالت فرزند، و سایر حقوق پایمال شده به زنان باز گردانده می شود.

چنین تجربه ای را مردم جهان پس از انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه به رهبری لنین در رأس طبقه کارگر آن کشور که برابر است با سال ۱۲۹۵ در ایران، شاهد بوده اند. در آنجا بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، حقوق برابر زن و مرد در امور کار و زندگی، حق رای، حق طلاق و سقط جنین و قوانین بسیار دیگر به نفع زنان به تصویب رسید و حتی روز ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن، تعطیل رسمی اعلام شد. اما همانطور که می دانیم حقوق انسانی برابر حتی در هیچ کدام از کشورهای پیشرفته سرمایه داری برای زنان وجود ندارد. به قول کلارا زتکین به عنوان یکی از بنیانگذاران روز جهانی زن، رهایی زنان در مشارکت آنان در امر تولید و در گرو سرنگونی نظام سرمایه داری می باشد.

انقلاب به معنای واقعی یعنی دگروگونی و تغییر همه مناسبات بنیادینی که با آن استثمار و ستم به انسان ها پایان پذیرد، انقلاب یعنی پایان نظام دیکتاتوری سرمایه داری که با فشار دادن گلو کارگران و زحمتکشان، حافظ و مدافع نظامی است که حقوق انسانی و اولیه انسان ها را فدای حفظ منافع اقلیتی سرمایه دار می کند.

واقعیت این است که توده های آگاه و مبارز ما در داخل کشور دریافته اند که انقلاب به معنای ایجاد دگروگونی عمیق در همه موارد و مسائل جامعه است و این موضوع تنها به مساله زنان و یا حجاب، قابل تقلیل نیست. درست پس از آنکه توسط عده ای معلوم الحال تلاش شد تا این انقلاب را حول مساله آزادی پوشش برای زنان جا بزنند، توده های آگاه و مبارز ما در داخل کشور به درستی شعار می دانند: چه با

دوباره در کنار مردان به همان اعتراض های بر حق خود ادامه خواهند داد، ولی با یک تفاوت و آنهم اینکه این بار همان زنان با "پوشش و حجاب اختیاری!" در صف اعتراض ها و اعتصاب ها می ایستند؟ هرچند که البته دغدغهی اصلی قشر محدودی از زنان تحت ستم طبقات مرفه، کسب حق پوشش ولو با حفظ نظام حاکم است. ولی اکثریت زنان جامعه هم برای رفع ستم مضاعف از زنان و از جمله لغو حجاب و هم برای از بین بردن هر نوع ظلم و ستم از جامعه مبارزه می کنند و تا نابودی سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران مبارزه خواهند کرد.

یکی از شهدای جوان و آگاه جنبش انقلابی ۱۴۰۱ یعنی سارینا اسماعیل زاده، در یکی از ویدیوهایی که در زمان حیات از خود پخش کرده بود به دغدغهی اصلی مردم که مشکلات اقتصادی بود، اشاره می کند و می گوید: مردم یک کشور چه انتظاری میتونن داشته باشن از کشور خودشون؟ و جواب می دهد: رفاه، رفاه، رفاه. او در ادامه اشاره می کند که: وضعیت اقتصادی مون که داغونه، فرهنگمون داغونه و یک سری محدودیت ها که برای زنان بیشتره مثل حجاب اجباری. ولی می خوام بکم که مخصوصاً وضعیت اقتصادی خیلی اذیت می کنه. سارینا در قسمت دیگری از حرف های خود در مورد داشتن رفاه و آسایش می گوید: ما هنوز تو پله ی اول گیر کردیم؛ خوراک، پوشاک، مسکن. و در آخر اشاره می کند که وقتی این سه تا چیز در زندگی هر فردی فراهم باشه، ذهنش باز می شه و می تونه به مسایل دیگه ای که انسان رو به کمال می رسونه فکر کنه.

خب اگر ما به این سخنان با دقت گوش کنیم می بینیم که این دختر نوجوان ۱۶، ۱۷ ساله با چه درک عمیقی و به چه زیبایی با وجود اشاره به محدودیت هایی از جمله حجاب اجباری برای زنان، مشکل و دغدغهی اصلی جامعه را درک کرده که همانا در شعار نان کار مسکن آزادی و استقلال از امپریالیست ها یعنی سرمایه داران بین المللی غارتگر، نهفته است.

آنچه مسلم است این است که داشتن درک درست ما از عامل اصلی فقر و فلاکت و دیکتاتوری در جامعه که همان سیستم سرمایه داری و زندگی طبقاتیست، خواهد توانست مسیر درست مبارزه را برای ما آشکار کند. در ایران هنگامی که توده های انقلابی به رهبری طبقه کارگر، قدرت سیاسی را به دست بگیرند به راحتی نه تنها پوشش و حجاب اختیاری، بلکه سایر حقوق پایمال شده زنان از جمله استقلال اقتصادی، حق طلاق، حق سقط جنین، حق داشتن

هلند: آکسیون در حمایت از زندانیان سیاسی



روز شنبه ۲۵ فوریه کمیته دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران-هلند که فعالین چریکهای فدایی خلق درهلند بخشی از آن هستند در دفاع از زندانیان سیاسی و اعتراض به شکنجه و صدور احکام ضد خلقی اعدام علیه معترضان خیزش انقلابی اخیر آکسیونی را در میدان دام آمستردام برگزار کردند و با افشای گوشه ای از جنایات رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی خواست آزادی زندانیان سیاسی از چنگال این رژیم را بار دیگر در افکار عمومی محل کار و فعالیت خود مطرح کردند. رفا یک ساعت زودتر از موعد اعلام شده در میدان حاضر شده و با نصب بنرها و شعارهای مبارزاتی نظیر "نابود باد جمهوری اسلامی"، "مرگ بر امپریالیسم"، "زنده باد سوسیالیسم" و ... محل را تزئین کردند. همچنین تصاویر تعدادی از جانباختگان جنبش انقلابی اخیر و همچنین جانباختگان مبارزات و جنبش های سالهای اخیر در محل آکسیون نصب شد که مورد توجه بازدید کنندگان قرار گرفت. در طول آکسیون شعارهایی به زبانهای فارسی و هلندی و انگلیسی در دفاع از جنبش جاری و طبقه کارگر و زحمتکشان و علیه جمهوری اسلامی نظیر "جمهوری اسلامی، دشمن زحمتکشان، نوکر غارتگران نابود باید گردد"، "مرگ بر خامنه ای، مرگ بر ریوسی، "نان کار مسکن آزادی و استقلال" و ... سر داده شد. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در این حرکت فعالانه شرکت داشتند و با برپایی میز کتاب به توزیع نشریات سازمان و توضیح مواضع آن پرداختند. در طول حرکت بحثهایی نیز از سوی مراجعه کنندگان در رابطه با شرایط ایران صورت گرفت و توضیحاتی از سوی برگزار کنندگان برنامه در این بحثها به مراجعین داده شد. این برنامه از ساعت ۱۴ آغاز و ساعت ۱۶ به پایان رسید و شرکت کنندگان پس از پایان این حرکت به آکسیون دیگری پیوستند که در هلند در یادمان خاطره اعتصابیون کمونیست در سال ۱۹۴۱ توسط مبارزان هلندی برگزار می شود و هدف از آن بزرگداشت مبارزات تاریخی کمونیستها در هلند می باشد. این مراسم به طور سالانه در آمستردام برگزار می شود.

نابود باد رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی!
پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!
فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هلند
۲۶ فوریه ۲۰۲۳

این رژیم زنستیز، خونخوار و فاسد کشته شدند.

همینطور درود میفرستم و گرمی می‌دارم یاد مردانی را که در راه برابری زن و مرد مبارزه کردند و جان باختند و درود بر مردانی که در این راه با نظام حاکم و مردسالاری ذاتی آن مبارزه می کنند.

خورشید- ۱۲ مارس ۲۰۲۳

جان‌شان را از دست دادند، زنان مبارزی که در رژیم دیکتاتوری پهلوی به مبارزه برخاستند و به شهادت رسیدند؛ به ویژه رفقای فدایی و تا به امروز و زنان و دخترانی که در جنبش انقلابی اخیر در راه آزادی به شهادت رسیدند از جمله نیکاه، ساریناها، آیلارها، آینازها، مینوها، حدیث ها و غزاله‌ها حنانه‌ها مهساها و همه آنانی که در جریان انقلاب ۱۴۰۱ به دست

ستم‌دیدگان جامعه بهتر می‌شود که جمهوری اسلامی به دست توده‌ها سرنگون شود و سیستم سرمایه‌داری در ایران نابود گردد. همانطور که در صحبت‌هایم هم اشاره کردم، تنها در این شرایط است که زنان هم از ستم‌هایی که امروز می‌بینند رهایی پیدا خواهند کرد.

می‌بینیم در منشورهایی که این روزها منتشر می‌شوند، اصلاح‌طلبی با کلمات و جملات ظاهراً جذاب پوشیده شده است. در این مورد بهتر است بگویم که توده‌های مبارز ما از این مرحله خیلی وقت است که گذر کرده‌اند؛ درست همان زمان که در آبان ۹۸ فریاد می‌زدند: اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا. و یا اینکه در جریان مبارزات ۱۴۰۱، مردم ما شعار دادند بهش نگید اعتراض، اسمش شده انقلاب. یکی از پیش شرط‌های لازم برای رسیدن زنان به آزادی و اجرای برابری و آزادی همه توده‌های تحت ستم ما رهایی از سلطه سرمایه‌داران بین‌المللی یا امپریالیست‌ها است، در حالی که اصلاح طلبان خیلی زیرکانه ضرورت استقلال توده‌ها از قدرت‌های جهانی را کتمان می‌کنند و تازه خواهان مساعدت و کمک کشورهای غربی و سیاستمداران آن کشورها هم هستند.

مساله‌ای که من می‌خواهم بر روی آن دست بگذارم این است که زنان و مردان مبارز ما به درستی تنها چاره را انقلاب می‌دانند؛ یعنی دگوقوئی کل ساختار اقتصادی- اجتماعی و ایجاد ساختار جدید به نفع اکثریت زنان و مردان جامعه. چون در تجربه هم دیده‌اند که از راه مبارزات مدنی نمی‌توانند به خواسته‌های انقلابی و برحق خودشان برسند. بنابراین در چنین شرایطی برجسته کردن مبارزات مدنی به عنوان راه اصلی، نتیجه ای جز جمع کردن توده‌های کف خیابان و فرستادن آنها به خانه را ندارد.

در آخر بار دیگر تاکید می‌کنم که بدون مشارکت زنان هیچ انقلابی به پیروزی نخواهد رسید. اگر خوب توجه کنیم می‌بینیم که در این جمله این مساله نهفته است که حضور زنان، مکمل حضور مردان در امر مبارزه است. به واقع زنان و مردان در کنار هم می‌توانند انقلاب را به پیش ببرند. از طرف دیگر، زنانه خواندن انقلاب توده‌های مبارز در ایران، به منزله نادیده گرفتن و بی اهمیت جلوه دادن و به زیر سوال بردن مردان، به عنوان نیمی از جامعه و در کل خدشه دار کردن مبارزه مردم ما با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی برای سرنگونی این رژیم و ریشه کن کردن سیستم سرمایه‌داری در ایران می‌باشد. پس، زنان و مردان آگاه ما باید تمام

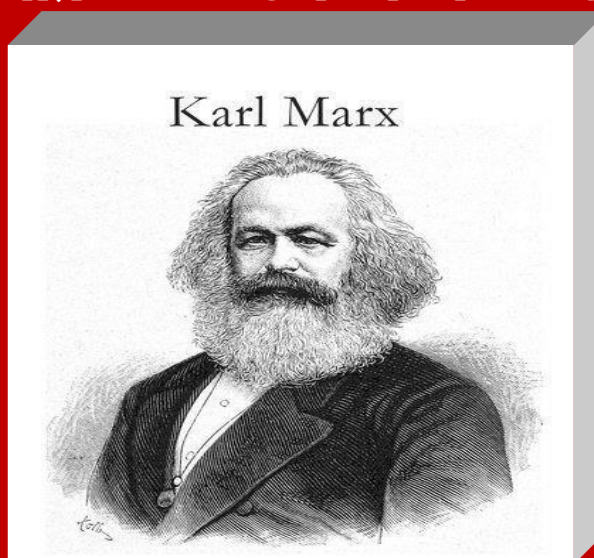
بدون شرکت فعال زنان هیچ جنبش توده ای واقعی نمی تواند وجود داشته باشد!

و انقلاب‌های اجتماعی و مبارزات کارگری بسیاری زیر پرچم این علم سازماندهی شده‌اند. این پتانسیل کتاب "سرمایه" از همان ابتدا شناخته شده بود. به عنوان مثال؛ انجمن بین المللی کارگران (نخستین انترناسیونال) در قطعنامه‌ای که پس از انتشار جلد اول "سرمایه" به تصویب رساند؛ کارگران جهان را به مطالعه این کتاب ترغیب کرد و خطاب به آنان نوشت که مارکس نخستین اقتصاددانی است که تحلیلی علمی از سرمایه (و سیستم سرمایه داری) ارائه داده و آن را تا عناصر اصلی (و اجزای پایه‌ای) آن تجزیه و تحلیل نموده است.

اولین ترجمه کتاب سرمایه به زبانی دیگر در سال ۱۸۷۲ و به زبان روسی منتشر شد و پرولتاریای روسیه اولین پرولتاریای جهان بود که درسهای مارکس را با موفقیت در عمل به کار گرفت و موفق شد که نظم اجتماعی کهنه را از بین ببرد و سوسیالیسم را در کشور خود برقرار کند. روشنفکران طبقه کارگر روسیه که کتاب "سرمایه" را در دهه ۱۹۰۰ مطالعه میکردند در شرایطی بودند که سیستم سرمایه داری پوسیده و در حال فروپاشی بود و با شرایط دوران رونق سرمایه داری در کشورهای غرب بسیار تفاوت داشت. در نتیجه پیشبینی پیاده کردن مارکسیسم در روسیه موضوعی خارج از واقعیت‌های زندگی روزمره طبقه کارگر محسوب نمیشد.

یکی از نظرات مهم علمی که در "سرمایه" توضیح داده شده این است که منبع "ارزش" در واقع نیروی کار کارگر می باشد که توسط سرمایه دار استثمار شده است. زیرا که قیمت نیروی کار خیلی کمتر از ارزشی است که در بازار تولید می کند. اما این ارزش اضافی تولید شده؛ تحت مالکیت و کنترل سرمایه است. این نیروی کار (کارگران) استثمار شده منشأ ثروت (سرمایه پولی) است که سرمایه دار از کارگران ربوده و در سرمایه گذاریها به کار میگیرد. اما ایدئولوژی سرمایه داری ادعا میکند که تولید ثروت به هوش و دانش افراد سرمایه دار و صاحبان شرکتها و موسسات مالی غول پیکر و علم و ابتکار و ریسک پذیری تولیدکنندگان بستگی دارد. مارکس در پاسخ به این سوال که چرا طبقه کارگر به این استثمار تن میدهد؛ توضیح داده است که از آنجا که سرمایه‌داران مالکیت ابزار تولید را از کارگران ربوده‌اند؛ کارگران مجبورند که برای زنده ماندن؛ تنها چیزی که برایشان باقی مانده (یعنی نیروی کارشان) را به قیمت بسیار ارزان در بازار کار به صاحبان ابزار تولید (سرمایه داران) بفروشند. از این رو؛ اگر ابزار تولید از طبقه سرمایه دار گرفته شوند و منابع اجتماعی برای رفع نیازهای

جاودان باد خاطره کارل مارکس اندیشمند کبیر پرولتاریا!



اسفبار غیرانسانی است که طبقه سرمایه دار زالوصفت حاکم ایجاد کرده است.

درست است که مارکس در دوران اولیه رونق سرمایه داری میزیست و دوران سلطه انحصار و امپریالیسم به مثابه فاز بالائی سرمایه داری را به عینه ندیده بود گر چه شاهد شکل گیری چنین روندهائی بود؛ اما این واقعیت تحلیل او را منسوخ نمی کند؛ زیرا او در آثار خود ارتباط ارگانیک بین مراحل مختلف توسعه اقتصاد سرمایه داری را آشکار کرد. او سرمایه داری را در جزئیات آن تحلیل کرد و بر این موضوع تأکید کرد که سرمایه داری خرابه‌های همه سیستمهای اجتماعی پیشین را نیز در درون خود حمل می‌کند و اشکال انحصاری سرمایه داری از درون اشکال اولیه آن رشد می کنند. او حدود بیست سال قبل از نوشتن «سرمایه» در کتاب «فقر فلسفه» در بحث علیه نظرات ایده‌آلیستی "پرودون" در رابطه با "رقابت آزاد" توضیح داد که چگونه رقابت آزاد به سمت انحصارات (یعنی مونوپولها که نقطه کاملاً متقابل و مخالف دیالکتیکی رقابت آزاد هستند) خواهد رفت. علاوه بر این مارکس نشان داد که چگونه در همه انواع سرمایه داری حتی درپیشرفته ترین و دمکراتیک ترین شکل سلطه سرمایه داری، سرمایه به تنهایی مالک و فرمانروای ابزار عمده تولید است و به تنهایی بخش بزرگی از ارزش اضافی را تصاحب می کند و تا زمانی که چنین است، حتی اگر ویژگی های ثانویه نظام سرمایه داری اصلاح شوند تغییر در واقعیت استثمار طبقه کارگر ایجاد نمی شود و به همین دلیل هم نظریه مارکس نمی تواند منسوخ شود. از این جهت است که کتاب "سرمایه" به مثابه جزو مهمی از علم رهایی بشریت از مظلومیت سرمایه داری؛ بیش از هر اثر دیگری به بخشی از تاریخ جهان سرمایه داری تبدیل شد و بیش از یک قرن است که جنبش‌ها

۱۴ مارس سالگرد درگذشت کارل مارکس اندیشمند کبیر کارگران می باشد. انقلابی بزرگی که به قول فردریک انگلس مرگش "چنان ضایعه‌ای برای پرولتاریای رزمنده" و همچنین "تاریخ علوم است" که "ایعادش غیر قابل اندازه گیری" می باشد. یکی از خدمات فراموش نشدنی کارل مارکس کشف "قانون ویژه حرکت ناظر بر شیوه تولید سرمایه داری عصر حاضر و آن جامعه بورژوازی که زاده این شیوه تولید است" می باشد. به قول انگلس: "کشف ارزش اضافه، ناگهان مسئله‌ای را روشن کرد که هم اقتصاددانان بورژوا و هم منتقدین سوسیالیستی که در صدد حلش بودند در تمام بررسی‌های قبلی، در تاریکی کورمالی‌اش می‌کردند". مارکس این کشف را در کتاب جاودانه اش "سرمایه" هر چه بیشتر تشریح نمود.

در گرامی داشت خاطره این اندیشمند بزرگ طبقه کارگر کمی در باره این کتاب خواهم نوشت. این کتاب در ۱۴ سپتامبر ۱۸۶۷ (۲۳ شهریور) منتشر شد که نزدیک به صد و پنجاه و پنج سال از انتشار جلد اول آن می گذرد اما هنوز هم محتوی آن تازه و آموزنده است. انتشار کتاب «سرمایه» اثر کارل مارکس را می توان به واقع یک انقلاب تئوریک در سطح جهان دانست. (۱)

۱۴ سپتامبر ۲۰۲۲، طبقه کارگر جهان سالگرد این انقلاب تئوریک را در شرایطی پشت سر گذاشت که در حال تجربه بحرانهای بزرگ سرمایه داری و ظلم و ستم و نابرابری و تباهی های ناشی از آن است و خود را ناگزیر به تلاش برای گسترش هر چه بیشتر جنبش‌های رادیکال برای نابود کردن این سیستم ظالمانه در سراسر جهان میبندد. همانطور که خیزش انقلابی اخیر در ایران نیز عکس العمل کارگران و زحمتکشان و توده های مردم آگاه به شرایط

که مطالعات مارکسیستی گسترده دارند و چه آنها که در ابتدای راه آموختن مارکسیسم هستند و حتی کسانی که خود را مارکسیسم نمیدانند، باید کتاب "سرمایه" را بخصوص در دوران بحرانی کنونی بیاموزد.

واقعیت این است که در جوامع سرمایه داری علیرغم اینکه همه افراد جامعه بخصوص طبقه کارگر تقریباً هر روز درگیر فعالیت اقتصادی هستند؛ معمولاً علم اقتصاد خارج از دسترس توده های مردم است و به یک مبحث دشوار و حتی ترسناک برای اکثر آنان تبدیل شده است. اما کتاب "سرمایه" (علیرغم اینکه تا حدی مانند سایر متون اقتصادی به راحتی قابل آموختن نیست) واقعیاتی را که زیر طواهر سرمایه داری نهفته هستند را آشکار کرده است.

وقتی که میبینیم آنچه مارکس به عنوان سه خصیصه اساسی تولید سرمایه داری توضیح داده (تمرکز ابزار تولید در دست طبقه سرمایه دار؛ سازماندهی نیروی کار؛ ظهور بازار جهانی) تغییر چندانی نکرده اند؛ برایمان ثابت میشود که درسهای کتاب "سرمایه" با شرایط کنونی انطباق کامل دارند و مطالعه و درک آن برای انقلابیون امروز نیز بسیار ضروری و مفید است. واقعیت شرایط کنونی این است که قدرتهای امپریالیستی هرگز تا این حد در سرکوب و کنترل توده های مردم جهان با استفاده از فریبکاری و نوطنه های بی پایان موفق نبوده اند. اما هرچقدر که چشم اندازهای زندگی مدرن انسان بیش از پیش مبهم و تار میشوند، علم مارکسیسم میتواند در زدودن غبار از چهره واقعیت به طبقه کارگر آگاه کمک کند.

سهیلا-اسفند ۱۴۰۱

زیرنویس:

۱- برخی منابع ۱۱ سپتامبر و برخی دیگر ۱۴ سپتامبر ۱۸۶۷ (۲۳ شهریور) را روز انتشار اولین نسخه آلمانی کتاب «سرمایه» ذکر کرده اند. مارکس این شاهکار خود را حدود دو دهه پس از «مانیفست کمونیست» و دو سال پس از جنگ داخلی آمریکا منتشر کرد. "سرمایه" از سه جلد تشکیل شده است. جلد اول آن که در مورد فرآیند تولید سرمایه است؛ برای اولین بار به زبان آلمانی در سپتامبر ۱۸۶۷ در شهر هامبورگ منتشر شد. جلد دوم در مورد فرآیند گردش سرمایه و جلد سوم در مورد روند کلی تولید و توزیع در سیستم سرمایه داری است که توسط انگلس با استفاده از دست نوشته های مارکس در سالهای ۱۸۸۵ و ۱۸۹۴ منتشر شدند.

برخلاف فئودالیسم و برده داری که استثمار و ستم به اشکال آشکار و ظالمانه و ستمگرانه بودند؛ سیستم سرمایه داری از طریق پنهان کردن واقعیت استثمار طبقه کارگر پشت نقابهای فریبکارانه (مانند دروغ "فرصت های برابر برای پیشرفت فردی همه افراد جامعه به طور یکسان") موفق شده که بر عمر جنایتکارانه خود بیافزاید. اما مارکس در «سرمایه» از طریق کشفیات علمی خود ماهیت واقعی سرمایه داری را به طبقه کارگر شناسانده است. به عنوان مثال مارکس با توضیح قانون "ارزش اضافی" نشان داده که در پشت توهمی به نام "بازار دموکراتیک بر اساس عرضه و تقاضا"؛ واقعیتی به نام "محل کار" وجود دارد که جایی است که افرادی که در تلاش معاش هستند؛ مجبورند که خیلی بیشتر از آنچه که برای دریافت دستمزدشان لازم است؛ کار کنند. سرمایه دار بخش بسیار کوچکی از سود حاصل از کار کارگران را به عنوان دستمزد به آنها میدهد و بزرگترین بخش سود را خود تصاحب میکند. این نظریه مارکس با شرایط اقتصادی مدرن در دوران امپریالیستی (یعنی در دوران سرمایه داری انحصاری جهانی که سرمایه مالی بر تولید و توزیع جهانی مسلط شده است) نیز تطابق دارد و آن را میتوان برای توضیح پدیده "رانت امپریالیستی" که از دستمزدهای شدیداً نابرابر برای کار مشابهی که توسط طبقه کارگر جوامع تحت ستم (مانند ایران) و کشورهای امپریالیستی (یا میتوان گفت دستمزد نابرابر برای کار مشابه در کشورهای فقیر و ثروتمند) به جیب امپریالیستها سرازیر میشود، گسترش داد.

شهرت مجدد حیرت انگیز "سرمایه" در چند دهه اخیر ثابت میکند که این کتاب هنوز ابزاری قوی در دست طبقه کارگر و متحدین آگاه آن برای ایجاد تحولات انقلابی پیروزمند جهت نجات بشریت از سیستم سرمایه داری است. به عنوان مثال یکی از نتایج غیرمنتظره بحران و رکود اقتصادی جهانی که در سال ۲۰۰۸ آغاز شد، افزایش فروش کتاب "سرمایه" بود. زیرا که توده های مردم آگاه جهان بار دیگر پس از سقوط سرمایه مالی جهانی، در تلاش برای یافتن آلترناتیوی علمی به کتاب "سرمایه" مراجعه کردند؛ کتابی که حاوی کلید کشف بسیاری از ابهامات سرمایه داری مدرن است.

اگر به تلاشهای طبقه سرمایه دار حاکم بر جهان علیه علم مارکسیسم (ایدئولوژی رهایی طبقه کارگر) و تحریفات و فریبکاری های بی پایان آنها توجه کنیم؛ میبینیم که هر فرد آگاه و مبارزی که قصد تغییر جهان نابرابر و ظالمانه کنونی را دارد؛ چه افرادی

کل جامعه و به نفع توده های مردم به کار گرفته شوند، مسیر جدیدی برای رهایی جامعه از هر نوع ظلم و ستمی میتواند ایجاد شود.

مارکس در این کتاب نه تنها شرح روشنی از سیستم اقتصادی زیربنای جامعه سرمایه داری ارائه داده؛ پویایی هرج و مرج مابانه و آشفته وار پروسه انباشت سرمایه در طول زمان را نیز نشان داده است. او نشان داده که در پس پدیده های ظاهراً آشکار و ملموس مانند سود و قیمت، مسائل نسبتاً مرموزتری (به عنوان مثال در رابطه با تضاد میان اشکال مختلف ارزش؛ یعنی ارزش مصرف و ارزش مبادله ای) پنهان شده اند.

از این جهت است که مطالعه و درک آثار کلاسیک مارکسیستی میتواند منجر به شناخت عمیق تر از روابط اقتصادی-اجتماعی و ریشه های شرایط اسفبار زندگی کارگران و زحمتکشان در جوامع سرمایه داری معاصر شود.

درواقع کشفیات مارکس در رابطه با قوانین حاکم بر نظام سرمایه داری که در آثار علمی وی تشریح گشته ضربات سهمگینی را بر قلب سرمایه داری فرود آوردند. اولین کشف مارکس این بود که سرمایه داری یک پدیده طبیعی و ابدی نیست و بر فرایندهای تاریخی و کاملاً طبیعی استوار است و در شرایط تاریخی خاصی ایجاد شده که در حال تغییر می باشند. این سیستم ابزار تولید را با زور و سرکوب و حيله و تقلب از دسترس اکثریت جامعه خارج کرده و آنها را برای زنده ماندن؛ به بردگی برای متصرفان ابزار تولید وادار کرده است. یکی از کشفیات مارکس "قوانین ویژه" سرمایه داری بود. این قوانین شامل ۳ قانون "ارزش"؛ قانون "انباشت" و قانون "گرایش نزولی نرخ سود" هستند. کارگران در چهارچوب این قوانین ویژه برای تولید "ارزش اضافی" استثمار میشوند. سرمایه داران بر سر توزیع ارزش اضافی با هم رقابت و مبارزه میکنند و تضادهای میان سرمایه داران مختلف گاه به جنگ بین سرمایه داران منجر می شود و در دوران امپریالیسم جهان شاهد این رقابتهای بین المللی و جنگ های امپریالیستی بوده است. چرا آگاهی بر ماهیت سیستم سرمایه داری و قوانین حاکم بر آن مهم هستند؟ پیش از هر چیز؛ این قوانین ضرورت انقلاب کارگری را تقویت می کنند و نشان میدهند که نمیتوان در سیستم سرمایه داری هیچ آینده صلح آمیز و مرفه و پایداری برای طبقه کارگر و حتی برای جهان بشریت تصور کرد.

نابود باد نظام سرمایه داری! برقرار باد سوسیالیسم!

لندن: گزارشی از تظاهرات به مناسبت

روز جهانی زن



به مناسبت روز جهانی زن، روز چهارشنبه ۸ مارس ۲۰۲۳، تظاهراتی از سوی نیروهای چپ و مبارز در لندن در مقابل سفارت رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی برگزار شد. با وجود هوای بسیار سرد و بارانی تعداد قابل توجهی از فعالین سیاسی گروه های چپ و مبارز در این تظاهرات شرکت کردند و با سر دادن شعارهایی به زبان انگلیسی و فارسی علیه جمهوری اسلامی از مبارزات زنان ستمکش و بویژه زنان کارگر و زحمتکش در ایران دفاع کردند. "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر حکومت بچه کش"، "کشتار دانش آموزان باید متوقف شود"، "زنده باد همبستگی بین المللی"، "تنها یک راه و آن هم انقلاب"، "زنده باد ۸ مارس" و ...

در این تظاهرات برخی از فعالین اتحادیه ای انگلیس نیز شرکت کرده و سخنرانی هایی در دفاع از جنبش انقلابی مردم ایران و بویژه مبارزات زنان ایران علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی ایراد کردند. برخی از آنها در سخنان خود ضمن دفاع بی قید و شرط از مبارزات کارگران و زحمتکشان و جوانان و زنان ایران خواستار اعلام پشتیبانی دولت بریتانیا از انقلاب مردم ایران و بسته شدن سفارتخانه جمهوری اسلامی توسط دولت انگلیس شدند. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در لندن نیز در این تظاهرات شرکت داشتند. این تظاهرات در ساعت ۴ بعدازظهر شروع و در ساعت ۵ بعدازظهر به پایان رسید.

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زنان کارگر و زحمتکش!
نابود باد رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی!
پیروز باد انقلاب، زنده باد سوسیالیسم!
فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در لندن
۹ مارس ۲۰۲۳

گزارش کوتاهی از برگزاری روز جهانی زن در هلند

در تاریخ چهارشنبه ۸ مارس، روز جهانی زنان کارگر و زحمتکش، به روال سالهای اخیر با فراخوان "کمیته ۸ مارس هلند" مراسمی در میدان دام آمستردام برگزار شد. کمیته دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران-هلند که فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هلند بخشی از آن هستند با انتشار فراخوانی در این مراسم فعالانه شرکت کردند. این مراسم در ساعت ۶ بعد از ظهر در میدان دام آمستردام آغاز شد. در این مراسم تعداد قابل توجهی از فعالین سیاسی ایرانی و هلندی و دیگر کشورها و نیروهای چپ و مبارز هلندی و فعالین زنان شرکت کردند. محل مراسم با بنرهایی در رابطه با روز جهانی زن و برابری و آزادی از سوی نیروهای برگزارکننده و دیگر نیروهای شرکت کننده و همچنین تصاویری از زنان رزمنده چریک فدایی فدایی خلق که در راه آزادی و سوسیالیسم جان باخته اند و همچنین عکسهای تعدادی از زنان و مردان جنبش انقلابی مردم ایران در سال ۱۴۰۱ تزیین شده بود.

این مراسم اکثراً به سخنرانی هایی از سوی زنان چپ و مبارز ایرانی و همچنین فعالین زنان از هلند، اوکراین، سوریه، کردستان و آمریکای لاتین و ... اختصاص داشت که سخنرانان گوشه ای از وضع زندگی، کار و مبارزات زنان در نظام سرمایه داری در این کشورها را به زبانهای هلندی و انگلیسی برای حضار بیان کردند. در این سخنرانی ها بر اهمیت انقلاب مردم ایران و نقش برجسته زنان ایرانی در این جنبش تاکید شده بود. در جریان این گردهمایی برخی نیروهای چپ و کمونیست هلندی نیز حضور داشتند که با خواندن سرودهای انقلابی شور خاصی به مراسم بخشیدند. فعالین سیاسی ایرانی در هلند، کمیته حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران-هلند، فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هلند، فعالین حزب کمونیست ایران، سازمان ۸ مارس ایران و افغانستان، فعالین سازمان فداییان اقلیت و فعالین سیاسی مبارز منفرد هم در این حرکت حضور داشتند که پس از یک و نیم ساعت، با ختم این گردهمایی در میدان دام، جمعیت به سوی میدان Waterlooplein به راهپیمایی و سردادن شعار پرداختند. تظاهر کنندگان در حالی که گروه های مختلف موسیقی از کردستان و آمریکای لاتین در مسیر راهپیمایی با استفاده از طبل و سوت موسیقی پخش کرده و توجه جمعیت را به خود جلب می کردند شعار می دادند "زنده باد آزادی، زنده باد برابری" و "۸ مارس، روز زن، ۸ مارس، تعطیل!" و ... در محل اجتماع در انتهای مسیر نیز تا مدتی مراسم رقص و شادی از سوی زنان و مردم ملیت های مختلف ادامه داشت. مراسم روز جهانی زن یک مراسم موفق بود که مورد استقبال وسیع قرار گرفت.

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی کارگر!

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هلند
۱۰ مارس ۲۰۲۳

آدرس پست الکترونیک

E-mail: ipfg@hotmail.com

فیس بوک سازمان

Siahkal Fadayee

کانال تلگرام

@BazrhayeMandegar

اینستاگرام

BazrhayeMandegar2

برای تماس با

چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

**BM BOX 5051
LONDON WC1N 3XX
ENGLAND**

"پیام فدایی" بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

www.siahkal.com

از صفحه رفیق اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

www.ashrafdehghani.com

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!